

سلام اللہ علیہا

نور فاطمہ زہرا



کتابخانہ دیجیٹال
www.noorfatemah.org

زکات

حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محسن قرائتی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

الذين ان مكناهم فى الارض اقاموا الصلوه و آتوا الزكوه و امر و ابالمعروف و نهوا عن المنكر والله عقبه الامور

سوره حج ، آيه ۴۱.

(مؤمنان) کسانی که (هستند) که اگر در زمین به آنان قدرت بخشیدیم ، نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و پایان همه کارها از آن خداست .

همین که در سال ۵۷ حکومت شاهنشاهی با اراده الهی و به رهبری امام خمینی و پیروی مردم ایران سرنگون گشت و با بیش از ۹۸ آراء مردم ، جمهوری اسلامی برقرار شد، حرکت های فرهنگی زیادی رونق گرفت .مثلا در بدنه نظام دانشگاه ها، کتابخانه ها، مدرسه سازی ها، سوادآموزی ، رشد مؤسسات تحقیقاتی ، انتشارات ، روزنامه ها، شبکه های صدا و سیما توسعه یافت و در کنار نظام ، رشد حوزه های علمیه ، نمازجمعه ها، نمازعبیده ها، توجه به قرآن و احکام و مسائل دینی و پیدا شدن تشکل های مذهبی در مدارس و دانشگاه ها و انجمن های اسلامی در وزارت خانه ها و کارخانه ها و حضور طلاب و فضلا در پادگان ها و دانشگاه ها و... مشهود شد.

اما با گذشت ده سال از انقلاب اسلامی ، مشاهده شد هنوز کارهای واجب ، میلیونی و فرهنگی متعددی انجام نشده است که بنده افراد دلسوزی را پیدا کنم و آن کارها دنبال نمایم (دست خط ایشان موجود است).

یکی از آن کارها توجه ویژه به نماز بود. گرچه امت اسلامی نماز را در مساجد بر پا می داشت ، ولی اقامه نماز در مدارس ، دانشگاه ها، جاده ها، ظهر تاسوعا و عاشورا، زمین های ورزشی ، ادارات و... جلوه ای نداشت .

با لطف خداوند ستاد اقامه نماز تشکیل شد و هر سال اجلاس با شکوهی در یکی از استان ها با پیام رهبر عزیز انقلاب و حضور شخصیت های سیاسی فرهنگی برگزار گردید و مسائل نماز دنبال شد.

بیش از صد عنوان کتاب توسط ستاد اقامه نماز درباره نماز منتشر شد، بیش از صد مسجد در جاده ها ساخته شد، بیش از هزار قطعه شعر سروده شد و بیش از پنجاه هزار نماز جماعت در مدارس برگزار شد. هزاران جوان آثار قلمی و هنری خود را درباره نماز ارائه دادند و بیش از ده هزار طلبه جوان در مدارس به اقامه نماز پرداختند.

بعد از نماز به سراغ مسئله امر به معروف و نهی از منکر رفته و در این باره نیز افرادی را به همکاری دعوت کردم و کتاب هایی نوشته شد و کارهای مثبتی انجام گرفت . پس از آن به سراغ مسئله زکات رفته و کارهایی انجام شد، از جمله : حدود سی سفر به استان ها رفتیم و نامه ها و ناله هایی را به ائمه محترم جمعه نوشتم . متأسفانه تا آن موقع کتابی فارسی برای ترویج و تبیین موضوع زکات در جامعه نداشتیم . بعد از آنکه اولین گردهمایی زکات در استان خوزستان برگزار کردیم ، کم کم مسئله زکات مطرح شد و آیه الله محسنی گرکانی امام جمعه اراک و دانشمند عزیر آقای دهقان دو کتاب درباره زکات (این واجب فراموش شده) نوشتند. برادر دانشمند دیگر جناب آقای مجتبی کلباسی مقالاتی را که در زمینه زکات نوشته شده بود بررسی و جمع آوری کردند و به نام زکات در اندیشه ها چاپ و منتشر شد.

آری با کمال تأسّف بعد از بیست و دو سال انقلاب اسلامی گذشت ، سه یا چهار جلد کتاب زکات نوشته شد، ولی باز هم زکات از فراموشی بیرون نیامد. اینجانب با لطف و توفیق الهی چند شب جمعه در برنامه تلویزیونی (درسهای از قرآن) مسئله زکات را دنبال کردم و یادداشت هایی در این باره آماده شد. دو نفر از فضلا هم چند روزی از قم به تهران آمده و این یادداشت ها را تکمیل کردند و بنده آنها را بازنویسی کردم و این کتاب پیش روی شما قرار گرفت .

محور کتاب آیات و روایات و پاسخ به بعضی شبهات درباره زکات است . امیدوارم که مفید واقع شود و ذخیره قبر و قیامت همه ما باشد. در ده ها سفری که برای زکات داشتم ، طرح ما این بود که ستادهای زکات با ترکیب این اعضا: علم منطقه ، استاندار یا فرماندار یا بخشدار، کمیته امداد، جهاد کشاورزی ، تعاونی روستا، شورای استان و افرادی که در میان مردم محبوبیت دارند تشکیل شود و شیوه کار این گونه باشد که مسئله زکات طرح و تبلیغ شود و مردم زکات خود را نزد افراد مورد اطمینان جمع آوری کنند و زیر نظر عالم منطقه در همان منطقه و در راه هایی که قرآن فرموده ، هزینه شود.

در بعضی از مقررات جمهوری اسلامی چنین آمده که اگر مردم منطقه ای (بخصوص روستاها) بودجه ای جمع آوری کردند، دولت نیز به همان اندازه به آن بودجه اضافه کند و در نیازهای مشروع همان منطقه مصرف شود. این حمایت دولت خود میتواند تشویقی برای انجام کار باشد. گرچه مردم مسلمان خود میدانند که انجام تکلیف شرعی و بهره گیری از برکات دنیوی و اخروی زکات نباید مشروط بر حمایت های این و آن باشد. یعنی حتی اگر دولت کمک نکرد ما باید به وظیفه خود عمل کنیم .

به هر حال ما هنوز در آغاز کاریم و از کوتاهی هایی که شده است عذرخواهی می کنیم .

از خداوند عذر میخواهم که چرا مسئله زکات را آن گونه که باید تبلیغ نکردم . اگر ما همان گونه که برای دفاع مقدس تبلیغ کردیم و بر اثر آن مردم جوانان خود را به جبهه ها فرستادند، مسئله زکات را جدی می گرفتیم ، بسیاری از مسلمانان به راحتی زکات مال خود را می پرداختند.

از فقرا و مساکین و همه گرفتارانی که می توانستند مشکلات خود را از طریق زکات حل کنند عذرخواهی می کنم .

از قرآن که با آن همه عنایت مسئله زکات را تذکر داد و من بی اعتنا بودم ، عذر خواهی می کنم . خداوند! من غافل شدم و فکرم را در بسیاری از مسائل غیر واجب صرف کردم ، ولی واجبات که جزو ارکان اسلام بود، مورد غفلتم واقع شد.

خدایا! می توانستم با دعوت از هنرمندان ، فیلم ها و سرودهایی درباره چگونگی حل مشکلات مناطق محروم از طریق زکات بسازم ولی غافل شدم . می توانستم به محضر علما بروم و با اصرار از آنان بخواهم که مسئله زکات را از نظر علمی و فقهی مورد بحث و دقت قرار دهند و مسئله زکات را در حوزه های علمی رونق ببخشم ولی غافل شدم .

خدایا! تو می دانی که اگر مردم به مسئله زکات و خمس ایمان بیشتری داشتند و عمل می کردند، ما از برکات زیادی محروم نمی شدیم . به هر حال رسماً استغفار و عذرخواهی می کنم و از خداوند آرزوی جبران غفلتهای گذشته و از همه عاشقان برای انجام این مهم استمداد می کنم .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

زکات در سایر ادیان الهی

۱ - زکات مخصوص اسلام نیست بلکه در ادیان پیشین نیز بوده است ، یعنی زکات (و نماز) از مشترکات همه ادیان آسمانی است .

حضرت عیسی (علیه السلام) در گهواره به سخن آمد و گفت : اوصانی بالصلوة و الزکوة (۱)

حضرت موسی (علیه السلام) خطاب به بنی اسرائیل می فرماید: اقيموا الصلوة و اتوا الزکوة (۲)

قرآن درباره حضرت اسماعیل (علیه السلام) می فرماید: کان یأمر اهله بالصلوة و الزکوة (۳)

همچنین درباره عموی پیامبران آمده است :

و جعلنا هم ائمة یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة (۴)

و با توجه به آیه و ما امروا الا لیعبدوا الله ... و یؤتوا الزکوة و ذلك دین القيمة (۵) مشخص می شود که در تمام ادیان آسمانی قرین و همتای نماز، زکات است .

۲ - علامه طباطبائی در مبحثی پیرامون زکات می گوید: هر چند قوانین اجتماعی به آن صورت کاملی که اسلام آورده است ، سابقه نداشته و از ابتکارات اسلام بود، زیرا فطرط بشر به طور اجمال آن را در می یافت . لذا در آیین های قبل از اسلام ، از قبیل شریعت حمورابی و قوانین روم قدیم ، جسته و گریخته چیزهایی درباره اجتماع دیده می شود. بلکه می توان گفت که هیچ سنت قومی در هیچ عصری و در میان هیچ طایفه ای جاری نبوده ، مگر آن که در آن حقوقی مالی برای اجتماع رعایت می شده است . بنابراین مجتمع هر جور که بود در قیام و رشدش نیازمند به هزینه مالی بوده است . (۶)

در سوره های مکی فراوانی به مسئله زکات اشاره شده است ، از جمله سوره های اعراف آیه ۱۵۶، نمل آیه ۳، لقمان آیه ۴، فصلت آیه ۷ و ... پیرامون این آیات میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. برخی این آیات را مخصوص زکات مستحب می دانند (۷) و برخی دیگر می گویند: حکم زکات در مکه نازل شد، اما به علت کمی مسلمانان و اندک بودن پول زکات ، مردم خودشان زکات می پرداختند. (۸)

پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه ، مسأله گرفتن زکات از مردم و واریز کردن آن توسط حاکم اسلامی مطرح شد خذ من اموالهم صدقة (۹)

این آیه در ماه رمضان سال دوم هجری در مدینه نازل شد و پیامبر دستور داد تا ندا دهند که خداوند زکات را نیز همچون نماز واجب ساخت . پس از یک سال نیز فرمان داد که مسلمانان زکاتشان را بپردازند. (۱۰)

در واقع پس از تشکیل حکومت اسلامی و تاسیس بیت المال ، زکات تحت برنامه مشخصی قرار گرفت و نصابها و مقدارهای معینی برای آن قرار داده شد. (۱۱)

برخی بر این باورند که پس از مأموریت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اخذ زکات، مصارف زکات به طور دقیق در آیه ۶۰ سوره توبه بیان گردید و جای تعجب نیست که تشریع اخذ زکات در آیه ۱۰۳ همین سوره و ذکر مصارف آن که می گویند در سال نهم هجرت نازل شده است در آیه ۶۰، زیرا می دانیم آیات قرآن برطبق تاریخ نزول جمع آوری نشده، بلکه به فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) هر کدام در محل مناسبی قرار داده شده است. (۱۲)

تفاوت زکات در اسلام با ادیان دیگر

با بررسی آیات و روایات در می یابیم که زکات در اسلام مانند زکات در دیگر ادیان الهی صرفاً یک نوع وصیت و سفارش اخلاقی و موعظه نیست که فقط مردم رغبت به بر و نیکی پیدا کنند و از بخل و امساک بپرهیزند، بلکه فرضیه ای الهی است و بی اعتنائی به آن فسق است و منکر و جوب آن، کافر محسوب می شود.

در اسلام نصاب حدود، مقدار، مصرف، شرایط و زمان پرداخت زکات و کیفیت ادای آن به طور دقیق مشخص شده است و دولت اسلامی برای کسانی که از پرداخت زکات امتناع ورزند، کیفرهایی قرار داده است و می تواند با متمردين از پرداخت آن در صورتی که منجر به انکار ضروری دین گردد، مقابله کند. (۱۳)

معنای زکات

زکات در لغت به معنای رشد و پاکیزگی است. آری دلسوزی برای محرومین و کمک به آنها سبب رشد معنوی است و پرداخت زکات هم سبب پاک شدن مال از حق محرومین و پاک شدن روح از بخل و حرص و تکاثر است.

و زکات در اصطلاح فقهی پرداخت مقدار معینی از مال است.

زکات در قرآن معنای عامی دارد و به کمک های واجب و مستحب گفته می شود و گاهی برای کمک به محرومین به جای لفظ زکات، لفظ انفاق، صدقه، ایتاء مال آمده است. همان گونه که کلمه زکات گاهی به معنای پاکیزگی آمده است (نه پرداخت مال و کمک به محرومین). و حنانا من لدنا و زکاة و کان تقیا (۱۴)

چنانکه خداوند می فرماید: به حضرت یحیی از ناحیه خود رحمت و محبت بخشیدیم و پاکی (روح و عمل) و او پرهیزکار بود.

چرا در جامعه فقیر وجود دارد؟

فقر انواعی دارد:

۱- گاهی به خاطر تن پروری است .

۲- گاهی به دلیل نادانی است .

۳- گاهی به جهت حقارت و خود کم بینی است .

۴- گاهی به طور طبیعی است .

۵- گاهی فقر انتخابی است .

آنجا که ریشه فقر، تن پروری ، جهل ، حقارت ، استعمار و استثمار باشد، اسلام به شدت از آن انتقاد کرده است ، ولی در جایی که فقر انتخابی است ، یعنی انسان زندگی ساده و زاهدانه ای را انتخاب می کند تا گرفتار ثروت اندوزی ، جمع مال و حفظ مال و حسادت دیگران و بخل و حرص نشود، در نظر اسلام این فقر ارزش است .

آنچه مربوط به بحث زکات می شود، فقر طبیعی است . مثلاً دو نفر ماهیگیر در کنار دریا مشغول صید ماهی می شوند، و در تور یکی از آنان ماهیان زیادی می افتد و در تور دیگری ماهی نمی افتد. در اینجا یکی ثروتمند و دیگری فقیر می شود و این فقر بر اساس تن پروری ، جهل ، حقارت ، استعمار و استثمار نیست . در اینجا فقر طبیعی و یک آزمایش الهی برای فقیر و غنی است . اسلام برای حل این نوع فقر دستوراتی از قبیل پرداخت خمس ، زکات ، انفاق ، صدقه و... داده است .

بنابراین کسی نمی تواند بگوید که نظام دینی ، جامعه را به دو قطب فقیر و غنی تقسیم می کند و سپس سفارش به انفاق و خمس و زکات می نماید، بلکه این نظامی حکیمانه و طبیعی است که در آن بر اساس تفاوت استعدادها، ابتکارات و گاهی مقدرات حکیمانه الهی جامعه به دو گروه تقسیم میشود، ولی این تفاوت ها با دستورات واجب یا مستحب جبران می شود.

چه کنیم که مردم خمس و زکات مال خود را بپردازند؟

ابتدا باید به سراغ ریشه های اعتقادی و فکری و فرهنگی آن رفت :

اگر کسی باور کند که مالی که در اختیار او است ، امانت و هدیه خدایی است ،

اگر باور کند امتیازی بر دیگران ندارد و همه با هم برادرند،

اگر باور کند ارزش جذب دل محرومان ، بیش از ارزش جمع مال است ،

اگر باور کند دعای محرومان مشکل های او را حل می کند،

اگر باور کند ممکن است فردا خودش یکی از محرومان جامعه باشد،

اگر باور کند که خدا جای انفاق را با جمله فهو یخلفه (۱۵) پر می کند،

اگر باور کند انفاق او همچون دانه ای است که تبدیل به خوشه های متعدد و صدها دانه می شود،

اگر باور کند فقیر مال و کمک او را برای قیامتش حمل می کند،

اگر باور کند سیر شدن فقرا برای تو یک لذت معنوی و آرامش درونی به همراه خواهد آورد، اگر باور کند کمک امروز او به صورت چهره زیبایی در برزخ مونس او خواهد بود،

اگر باور کند حل مشکل مسلمین ، حل مشکل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است ،

اگر باور کند بی تفاوتی نسبت به محرومان جامعه ممکن است سبب انفجار و انقلاب و از دست دادن کل هستی او شود،

اگر به آثار و برکات و پاداش های کمک به دیگران ایمان داشته باشد،

و اگر خطرات بی تفاوتی ، کنز اندوزی ، بخل و حرص را بداند و با تاریخ ثروتمندان بی تفاوت آشنا شود، خود را برای پرداخت خمس و زکات و انفاق و... آماده می کند. اگر بدانیم که خدا از ما قرض خواسته و فرموده است : من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا (۱۶)

در حالی که خزینه های آسمان و زمین به دست او است ، خواهیم فهمید که مراد از این قرض دادن در حقیقت شکوفایی روحیه سخاوت و انسان دوستی در انسان است . (۱۷)

اگر ما همچون حضرت سلیمان داده های الهی را از فضل خداوند بدانیم ، نه در اثر زرنگی خود و بگوییم : هذا من فضل ربی (۱۸)، هرگز هرگز در پرداخت خمس و زکات مال خود بخل نمی کنیم .

اگر ما نعمت های خداوند را تنها وسیله ی رفاه و غفلت و سرمستی ندانیم ، بلکه همان گونه که قرآن می فرماید: لیبولونی ءاشکرام اکفر (۱۹)، آنها را وسیله آزمایش خود بدانیم که آیا با بکارگیری صحیح آنها شکر عملی نعمتهای خدادادی را بجا می آوریم و یا کفران نعمت می کنیم ،

اگر همان گونه که امام رضا (علیه السلام) فرمود، بدانیم که خداوند مسئولیت افراد زمین گیر را به عهده متمکنین قرار داده است ،

اگر بدانیم هستی ما و فکر و علم و قدرت و ابتکار و توفیقی که داریم ، از خداوند است و حتی در کشاورزی نقش ما تنها بذرافشانی و آبیاری است ، اما جذب آب توسط زمین و شکوفایی بذر در درون آن ، دوری از آفات ، جذب نور و هوا، شکفتگی زمین و خروج خوشه ها از خداست و به تعبیر قرآن : انتم تزرعون ام نحن الزارعون (۲۰) هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم دریافت کنندگان کمک های ما در ظاهر فقرا هستند، ولی در واقع خداوند است که صدقات را تحویل می گیرد، یاخذ الصدقات (۲۱) به راحتی کمک می کنیم (و همان گونه که در روایت ها آمده) دست خود را نیز می بوسیم.

اگر بدانیم بی اعتنایی به فقرا ما را به سرنوشت قارون ها گرفتار می کند که خود و خانه (و سرمایه هایش) یک جا به زمین فرو رفتند، فحسفا به و بداره این همه بخل در کار نخواهد بود. قارون می گفت: سرمایه من از خدا نیست، بلکه به وسیله علم و تخصص و ابتکار و نبوغی که خودم دارم، آن را بدست آورده ام (۲۲)

اگر به داستان باغی که سوخت توجه کنیم، خواهیم دید که چگونه باغ کسانی که تصمیم گرفتند فقرا را از نعمتهای الهی محروم کنند، یک جا سوخت. (۲۳)

اگر بدانیم بی توجهی به یتیمان ممکن است سبب یتیم شدن فرزندان خود ما شود.

اگر بدانیم کمک های امروز ما در مواردی ده برابر و در مواردی هفتصد برابر می شود و به ما بر می گردد، هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر به سخن امام صادق (علیه السلام) ایمان داشته باشیم که فرمود: خداوند مهم تر از زکات چیزی را بر مردم سخت نگرفته است و بسیاری از مردم به خاطر نپرداختن آن هلاک شده اند (۲۴) هرگز بخل نخواهیم کرد. اگر بدانیم آن که ما را از فقر آینده می ترساند، شیطان است الشیطان یعدکم الفقر، هرگز از وسوسه های تهدید آمیز شیطان نمی ترسیم.

اگر بدانیم ما جانشین خدا هستیم، و حیف است تنها به مادیات راضی باشیم، هرگز به مادیات دلخوش نمی شویم ارضیتم بالحیوة الدنیا (۲۵)

اگر بدانیم ریشه جمع مال، پندار باطل ابدی بودن آن است، الذی جمع مالا وعدده یحسب ان ماله اخلده (۲۶) هرگز از پرداخت خمس و زکات طفره نمی رویم.

اگر بدانیم هر چه بیشتر داشته باشیم، مسئولیت ما بیشتر است (خداوندی که به پیامبرش کوثر و خیر کثیر می دهد، برای او ذبح گوسفند را کافی نمی داند، بلکه باید شتری نحر نماید) (۲۷) آری کسی که بیشترین دریافت را دارد، باید کمک او نیز بیشتر باشد.

اگر بدانیم با پرداخت زکات، سلام و صلوات پیامبر را دریافت می کنیم، به راحتی زکات خواهیم داد (قرآن به پیامبر می فرماید: زکات مردم را بگیر و بر آنها درود بفرست). (۲۸)

اگر بدانیم در ۲۷ جای قرآن زکات در کنار نماز آمده است و اگر بدانیم حضرت امیر (علیه السلام) انگشت خود را در نماز به فقیر داد، (حتی صبر نکرد نماز تمام شود) و اگر بدانیم ارزش کمک به محرومان همچون بوسیدن کعبه و حجرالاسود است، هرگز آن را به دیگری واگذار نمی کنیم و حتما مسئولیت آن را خودمان به عهده خواهیم گرفت. (گاهی یاران امام از امام می خواستند که حمل غذا به خانه فقرا را به آنان واگذار نماید، ولی امامان معصوم ما نمی پذیرفتند).

اگر بدانیم سفارش کمک به محرومان باید هم دائمی باشد و هم از درون خانواده شروع شود، و کان یامر اهله بالصلوة و الزکوة (۲۹) بیشتر به عظمت آن پی خواهیم برد.

اگر بدانیم از اولین وظائف حکومت صالحان رسیدگی به فقرا است، جایگاه زکات را خواهیم دانست. الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة (۳۰)

اگر بدانیم که دوزخیان در پاسخ بهشتیان می گویند: یکی از عوامل سقوط ما به دوزخ بی تفاوتی نسبت به فقرا بوده است، ولم نک نطعم المسکین (۳۱) نسبت به آنان احساس مسئولیت خواهیم کرد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: قیامت بر پا نمی شود مگر در زمانی که مردم زکات را خسارت و ضرر بدانند. (۳۲)

اگر باور کنیم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود روزی برای شما فرا خواهد رسید که شما از هرکس محتاجتر خواهید بود، هرگز بخل نخواهیم کرد. (۳۳)

اگر باور کنیم که حضرت زینب (سلام الله علیها) فرمود: خداوند زکات را واجب کرد تا رزق شما را زیاد کند،

اگر باور کنیم سخن خدا را که فرمود: افراد بخیل گمان میرند که اموالشان برای آنان خیر است، بلکه برای آنها شر است، (۳۴)

اگر باور کنیم که قرآن میفرماید آنچه نزد شماست، نابود میشود و آنچه برای خدا و در راه او داده می شود، باقی می ماند، (۳۵)

اگر باور کنیم که امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند فقرا را در اموال اغنیا شریک قرار داده است و نباید حق فقرا در غیر آنان هزینه شود، (۳۶)

اگر باور کنیم که خداوند از بنده اش می پرسد: آیا نسبت به فرمان من بخل می کنی؟! یا مرا متهم میکنی؟! یا گمان میکنی که من از جبران آنچه اتفاق کرده ای عاجزم؟!، خود را برای کمک به محرومان آماده تر خواهیم کرد. (۳۷) اکنون که با چهل اگر آشنا شدیم به سراغ آثار و برکات و اهمیت زکات برویم: اگر بدانیم که امام صادق (علیه السلام) فرمود: نپرداختن زکات از گناهای است که سبب ندامت و حسرت می شود (۳۸) و لحظه مرگ انسان از خداوند می خواهد که به دنیا برگردد و حق فقراء را بدهد، (۳۹)

اگر بدانیم که زکات ندادن انسان را از مدار ایمان و اسلام خارج می کند، (۴۰)

اگر بدانیم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در سایه کعبه می فرمود: کسانی از همه زیانکارترند. ابوذر پرسیدن چه کسانی زیانکارترند؟ فرمود: کسی که زکات نمی دهد (۴۱)

اگر بدانیم هر روز هزار فرشته ثروتمندی را که زکات نمی دهند به آتش بشارت می دهند، (۴۲)

اگر بدانیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کسانی را که پرداخت زکات را خسارت می پندارند به انواع قهرهای الهی (باد سخت، زلزله و دگرگونی چهره) تهدید فرموده است، (۴۳)

اگر بدانیم که حضرت مهدی (علیه السلام) با کسانی که زکات مال خود را نمی پردازند مانند زناکاران همسردار برخورد انقلابی خواهد نمود و گردنشان را می زند، (۴۴)

اگر بدانیم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سوگند یاد کردند که نپرداختن زکات خیانت به خدا و شرک است، (۴۵)

اگر بدانیم که خداوند نام کسانی که زکات نمی دهند را میان نام مشرکان و کافران قرار داده است، (۴۶)

اگر بدانیم که زکات از ضروریات دین و انکار آن به منزله کفر است، (۴۷)

اگر بدانیم که در زمان ابوبکر با گروهی که زکات نمی دادند برخورد نظامی شد و بر علیه آن افراد لشگرکشی شد و حضرت علی (علیه السلام) نیز در آن جبهه شرکت فرمودند (۴۸) و نام این گروه در تاریخ به نام اصحاب رده معروف شد، اگر بدانیم که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس حتی اگر مقدار کمی از زکات خود را ندهد، به دین یهودی یا نصرانی می میرود، (۴۹)

اگر بدانیم رسول خدا صلی الله علیه و آله دو بار فرمود: مالی که زکات آن پرداخت نشده است، ملعون است، ملعون است، (۵۰)

اگر بدانیم که امام صادق (علیه السلام) به کسی که زکات نمی دهد لقب سارق دادند، (۵۱)

اگر بدانیم دست کسانی که زکات نمی دهند در قیامت به گردنشان بسته می شود و با سخت ترین کلمات مورد توبیخ فرشتگان قرار می گیرند، (۵۲)

اگر بدانیم و باور کنیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصومش (علیه السلام) صحنه هایی از شکنجه تارکان زکات را در قیامت این گونه بیان کرده اند که مار بزرگی به گردن آنان آویخته و او را می گزد و این همان است که قرآن می فرماید:

سيطوق ما بخلوا همان مالی که بخل شد در قیامت طوق می شود، (۵۳)

اگر باور کنیم که قرآن می فرماید: روز قیامت اموال کنز شده را داغ می کنند و بر پیشانی و پهلوی و کمر کسانی که زکات آنها را نداده اند می گذارند و با توبیخ به آنان گفته می شود: این همان است که در دنیا کنز قرار دادید و حق محرومان را نپرداختید،

اگر باور کنیم که نپرداختن زکات از گناهان کبیره ای است که خداوند در مقابل آن وعده عذاب داده است،

آری اگر این باورها را داشته باشیم، لحظه ای در پرداخت حق الهی درنگ نخواهیم نمود.

اگر بدانیم که زکات در برزخ در کنار نماز تجسم یافته و مونس انسان می شود، به راحتی آن را خواهیم پرداخت. (۵۴)

اگر بدانیم که با پرداخت زکات پادشاهای چندین برابری را (که تعداد و عمق آن را کسی جز خدا نمی داند) دریافت خواهیم کرد، (۵۵) هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که با پرداخت زکات درهای بهشت را به روی خود باز می کنیم، (۵۶) هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که در قیامت از کسی که زکات مال خود را کامل می پردازد و در جای خود مصرف می کند، نمی پرسد که اموال خود را از کجا آورده ای ، (۵۷) انگیزه پرداخت زکات زیاد خواهد شد. اگر بدانیم که پرداخت زکات در امروز، کلید دریافت رحمت الهی در روزی است که از همه محتاج تریم و نپرداختن امروز، کلید بیشترین خسارت است ، (۵۸) لحظه ای در پرداخت آن درنگ نخواهیم کرد.

اگر بدانیم پاداش هر دانه گندم و جو و امسال آن که به قصد زکات داده شود، قصرهایی از طلا، نقره ، لؤلؤ ، زبرجد، جواهر و نور است (۵۹) لحظه ای در پرداخت آن دریغ نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که زکات عاشقانه کفاره گناهان است (۶۰) در پرداخت آن شتاب خواهیم کرد.

اگر بدانیم زکات دهنده در هر یک از آسمان های هفت گانه به نام مقدسی خوانده می شود، مثلاً در آسمان اول به نام سخی در آسمان دوم جواد در آسمان سوم معطی و در آسمان دیگر مبارک ، محفوظ، منصور و مغفور نامیده می شود (۶۱) هرگز این نام نیک را به آسانی از دست نخواهیم داد.

اگر بدانیم سیر کردن فقرا، رمز سیر بودن در قیامت و سیراب کردن تشنگان ، رمز سیراب شدن در قیامت و پوشاندن فقرا، رمز پوشیده بودن در رستخیز است (۶۲) تا آنجا که می توانیم با پرداخت خمس و زکات به گرسنگان و تشنگان و برهنگان خدمت خواهیم کرد.

آثار فردی زکات

۱ - درمان بخل :

بخل عیبی است که عیوب دیگری را به دنبال خواهد آورد: بی اعتنایی به مردم ، سنگدلی ، عذرتراشی ، دروغ پنداشتن ادعای فقرا، از دست دادن دوستان خوب ، گاو صندوقی برای وارثان ، تنگ گیری نسبت به خود و بستگان ، سوءظن به وعده های خداوند، تحقیر شخصیت خود در جامعه ، به جای توکل داشتن بر خدا توکل نمودن بر مال خود، گوشه ای از آثار بخل است .

افرادی که به فکر خودسازی و اصلاح خود هستند، باید خود را از این عیب دور بدارند: و من یوق شح نفسه فاولئك هم المفلحون (۶۳) یکی از امامان معصوم را دیدند که از اول شب تا صبح در حالی که مشغول طواف کعبه بود، تنها یک دعا می کرد و آن این بود که خدایا! مرا از بخل دور بدار. (۶۴)

شاید مراد از آیه ۱۰۳ سوره توبه که به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) دستور می دهد: خذ من اموالهم صدقه ... تطهرهم و تزکیهم ، زکات اموال مردم را بگیر و آنان را پاک کن ، مراد پاک کردن مردم از مرض بخل و حب دنیا باشد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس زکات مال خود را بپردازد، قطعاً از بخل حفظ شده است . (۶۵)

زکات ؛ وسیله تقرب انسان به خداوند است (۶۶) زکات ؛ پل اسلام است (۶۷) زکات ؛ بعد از شناخت دین و نماز، بالاترین ارزشهاست (۶۸) زکات ؛ نشانه بندگی خداست (۶۹) زکات ؛ موجب رستگاری است قد افلح من تزکی .

۲ - زکات کلید برکت و زیاد شدن رزق است :

هر یک از کلمات زکات و برکت و واژه های مربوط به آن ۳۲ بار در قرآن آمده است و این نشانه آن است که زکات ، مساوی برکت است . (آری بریدن شاخه های درخت انگور، در ظاهر کوتاه کردن درخت است ، ولی در واقع سبب رشد آن می شود).

در قرآن می خوانیم : یحیی الله الربا و یربی الصدقات . (۷۰) خداوند ربا را محو می کند، ولی صدقات را رشد می دهد.

در روایات زیادی می خوانیم : الزکوة تزید فی الرزق . (۷۱) زکات روزی انسان را زیاد می کند.

۳ - زکات بیمه کردن مال است :

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: اموال خود را از طریق زکات بیمه کنید. (۷۲)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر حق خدا را بپردازید، من ضامن هستم که اموال شما در دریا و خشکی تلف نشود. (۷۳)

۴ - پرداخت کننده زکات محبوب ترین فرد نزد خداوند است :

امام صادق (علیه السلام) فرمود: محبوب ترین فرد نزد خداوند، سخاوتمندترین آنان است و سخاوتمندترین مردم کسی است که زکات مال خود را بدهد و از آنچه که خداوند در مال او واجب نموده است ، در مورد مؤمنین بخل نکند. (۷۴)

۵ - زکات وسیله ی تقرب به خداوند است :

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند زکات را همراه با نماز وسیله ی تقرب مسلمین به خود قرار داد. (۷۵)

۶ - راه رسیدن به رحمت های خاص الهی است :

در قرآن می خوانیم : رحمت پروردگار بر هر چیزی گسترده است ، ولی دریافت قطعی آن مخصوص کسانی است که اهل تقوی و ایمان و زکات باشند. (۷۶)

خداوند می فرماید: اگر شما نماز را به پا دارید و زکات را پرداخت کنید و به پیامبران من ایمان آورید، قطعاً من با شما هستم . (۷۷)

۷ - وسیله باز شدن گره ها است :

قرآن می فرماید: و اما من اعطی و اتقی و صدق بالحسنى فسنیسره لیسری هر کس بخششی نماید و پرهیزگار باشد و حقیقت را تصدیق نماید، ما کارهای مشکل او را آسان می کنیم .

۸ - مایه فرونشاندن غضب الهی و کفاره گناهان است :

حضرت علی (ع) می فرماید: الله الله في الزكاة ، فانها تطفي غضب ربكم شما را به خدا، شما را به خدا درباره زکات (دقت کنید) که البته زکات غضب پروردگار را فرو می نشاند (۷۸)

خداوند می فرماید: اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید، من بدی های شما را می پوشانم . (۷۹)

۹ - انسان خدایی می شود:

همان گونه که خداوند رحمت خود را بر همه گسترانده است ، زکات دهنده لطف خود را بر فقرا سرازیر می کند و بدین گونه اخلاق خدایی را در خود شکوفا می کند و مظهر رحمانیت پروردگار می شود.

۱۰ - شرط رهایی از کفر است :

کفار، با توبه و نماز و زکات می توانند خود را برهانند:

قرآن می فرماید: و ان تابوا و اقامو الصلوة و اتوا الزكاة فخلوا سبيلهم (۸۰)

۱۱ - سبب گشایش برای مردگان است :

شخصی به امام صادق (علیه السلام) گفت : برادرم از دنیا رفته است و زکات زیادی به عهده اش بود، من آنها را پرداخت کردم ، امام فرمود: با این عمل مشکل او بر طرف می شود. (۸۱)

۱۲ - سبب استجابت دعا است :

در روایتی می خوانیم : هر کس می خواهد دعای او مستجاب شود، لقمه خود را حلال کند و یکی از راههای حلال کردن لقمه ، پرداخت حق خدا (خمس و زکات) است . امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر حق آنچه را که خداوند رزق شما کرده است بپردازید، باقیمانده آن برای شما طیب و حلال است . (۸۲)

۱۳ - سبب قبولی نماز است :

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: زکات اموال خود را بپردازید تا نمازتان قبول شود. (۸۳)

۱۴ - مایه جاودانگی است :

چون پرداخت زکات در حقیقت ذخیره قیامت می شود، بنابراین مال فانی را جاودانه می کند. کامیابی های احتمالی و موقت و پر دردسر دنیا را می توان از طریق پرداخت زکات به کامیابی های قطعی و دائمی و بی دردسر تبدیل نمود.

۱۵ - سبب زندگی شیرین است :

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر مردم حقوق خود را ادا کنند، قطعاً در زندگی شیرینی به سر خواهند برد؛ لو ان الناس ادوا حقوقهم لكانوا عایشین بخیر (۸۴)

۱۶ - خواب راحت :

به امام گفتند: فلانی در خواب به مشکلات و ناگواری هایی بر می خورد، امام فرمود: این به خاطر آن است که زکات خود را در راه صحیح مصرف نمی کند. (۸۵)

۱۷ - نشانه بی نقص بودن و کمال اسلام و ایمان است :

تمام اسلامکم اداء الزکوة (۸۶)

... سبعة من كن فيه فقد استكمل حقيقة الايمان ... و ادى الزکوة ماله (۸۷)

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: علامت و نشانه مؤمنان و شیعیان ما سه چیز است : نماز، روزه، و زکات . (۸۸)

۱۸ - نشانه قوام و استواری مکتب است :

در سوره بینه پس از آن که نام نماز و زکات را می برد می فرماید: و ذلك دين القيمة (۸۹)

۱۹ - پرداخت زکات ، شکر نعمت الهی است که زکات دهنده با پرداخت زکات خود، نگرانی از این که خودش مثل فقرا بشود را برطرف می کند: (۹۰)

قرآن می فرماید: هو سماکم المسلمین فاقیموا الصلوة و اتوا الزکوة خدا شما را برگزید و در دین خود بر شما سختی و حرج قرار نداد. او شما را مسلمان نامید. پس (به شکرانه آن برگزیدگی و سهل بودن دین و نامگذاری به اسلام)، نماز به پا دارید و زکات بپردازید.

اهمیت زکات

علمای اسلام زکات را از ضرورت دین و منکر آن را کافر دانسته اند.

روزی امام صادق (علیه السلام) آداب و نحوه گرفتن زکات را که در نامه ۲۵ نهج البلاغه نیز آمده است ، از قول حضرت علی (ع) نقل فرمود. سپس گریه کرد و فرمود: به خدا سوگند حرمت ها را شکستند و به کتاب خدا و سنت پیامبرش عمل نکردند. (۹۱)

زکات ، درمان دردهای اقتصادی جامعه است و همان گونه که اگر برای عضوی از بدن کسی ناراحتی پیش بیاید او را از حرکت می اندازد، در جامعه نیز اگر گروهی با مشکلات روبرو شوند، حرکت آن جامعه فلج می شود و زکات برای حل مشکلات جامعه است .

امام رضا (علیه السلام) فرمود: خداوند به من نعمتهایی داده است که دائماً نگران آن هستم تا حقوقی را که خداوند نسبت به آنها بر من واجب کرده است پرداخت کنم . سوال شد: شما نیز با آن مقام بزرگی که دارید به خاطر تاءخیر زکات از خدا می ترسید؟ فرمود: بله. (۹۲)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند بر این امت چیزی را سخت تر از زکات واجب نکرده است و اکثر هلاکت های امت ها به خاطر نپرداختن آن است . (۹۳)

همچنین قرآن می فرماید: هنگامی که صالحان به حکومت برسند، اولین برنامه آنان اقامه نماز و پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر است . (۹۴)

رسول خدا (علیه السلام) سوگند یاد کرد که جز مشرک کسی در مورد پرداخت زکات خیانت نمی کند. (۹۵)

و نیز فرمود: یا علی ! ده گروه از امت من کافر می شوند که یکی از گروهها کسانی هستند که زکات نمی پردازند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در آخرین خطبه خود فرمود: ای مردم ! زکات اموال خود را بپردازید. پس هر کس زکات نپردازد، برای او نه نمازی است و نه حجی و نه جهادی . (۹۶)

در روایات متعددی زکات به عنوان یکی از پایه های دین اسلام شمرده شده است و فرموده اند: بنای دین اسلام بر پنج چیز استوار شده است : بر نماز، حج ، زکات ، روزه و ولایت .

آثار اجتماعی زکات

برادری

قرآن می فرماید: تمام مؤمنان با یکدیگر برادرند: انما المومنون اخوة (۹۷) و در جایی دیگر می فرماید: هر گاه مخالفان شما توبه کنند و نماز بپا دارند و زکات بپردازند، آنها هم در جامعه برادر دینی شما هستند: فان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة فاخوانکم فی الدین (۹۸) بنابراین شرط برادر شدن در کنار توبه و نماز، پرداخت زکات است .

ایجاد یا تعمیق روابط

در آداب دوستی، صدها روایت به چشم می خورد که آنچه سبب ایجاد دوستی یا تعمیق و حفظ و توسعه آن می شود، خوش نیتی، خوش رفتاری، انصاف، کرم، ایثار، سخاوت، احسان، محبت، زهد، صله رحم، هدیه دادن، تفقد از یکدیگر می باشد و در پرداخت زکات همه آثار یاد شده به روشنی نهفته است.

کینه زدایی:

با پرداخت زکات، کینه محرومان بر طرف و به محبت و دوستی تبدیل می شود و این محبت و دوستی در تعاون و یاری یکدیگر و تولید بهتر و بیشتر و حفاظت از دستاوردهای جامعه اسلامی نقش مهمی دارد.

به صحنه کشاندن و اماندگان

فقر و گرسنگی، انسان را به انزوا و گوشه گیری و بدبینی و ناامیدی و حقارت پذیری می کشاند، اما زمانی که با پرداخت خمس و زکات و سایر انفاقات مشکلات اقتصادی مردم حل شود، تلاش نشاط، دلسوزی و حضور مردم در صحنه های مختلف بیشتر می شود.

تقویت بنیه دینی مردم

امام رضا (علیه السلام) فرمود: فلسفه و دلیل پرداخت زکات، قوت فقرا و... و تقویت آنان و کمک رسانی در امور دینی آنها است. (۹۹) از محل زکات جمع آوری شده می توان مدارس، کتابخانه ها، مساجد و سایر مراکز دینی و فرهنگی را ایجاد نمود و یا آنچه را که قبلا احداث شده است، توسعه داد و با دعوت از کارشناسان دینی و علما و اساتید مناطق دیگر، پایگاه علمی و اعتقادی مردم را تقویت نمود.

کم شدن مفاسد اجتماعی

با پرداخت زکات و تاءمین اجتماعی، فقر مردم بر طرف می شود و قهرا بخشی از مفاسد اجتماعی که برخاسته از فقر حاکم بر جامعه است، از بین خواهد رفت.

بسیج برای حل مشکلات

پرداخت زکات، دلها را به هم نزدیک می کند و جامعه را برای حل همه مشکلات آماده می سازد. آری، اگر فقرا خود را در سود اغنیا شریک بدانند، در برابر نابسامانی ها و مشکلات و آفات با تمام توان به پا خواهند خواست و تا آنجا که بتوانند در حل مشکلات کوشش خواهند نمود.

آزمایش مردم

زکات دهنده علاوه بر کسب رضای خداوند و برکات معنوی و اخروی، دل های دیگران را نیز به سوی خود جذب می کند و به خاطر همین محبوبیتی که در جامعه پیدا می کند، دیر یا زود از حمایت های مردمی در امور مختلف برخوردار می شود.

آری بعضی از افراد سرمایه خود را با خرید جمادات (خانه، ماشین، مزرعه، فرش، لباس و...) هزینه می کنند تا شاید بتوانند دل های مردم را جذب کنند، ولی از آنجا که دل های مردم در اختیار خداوند است، این دسته افراد معمولاً در جامعه منفور دیگرانند، اما کسانی که بخشی از سرمایه خود را (به جای جمادات) در راه نجات انسان ها، رشد استعداد های فراموش شده تأمین هزینه ازدواج و مسکن و کارآموزی به افرادی که صاحب حرفه ای نیستند، صرف می کنند، هم در تمام ارزشها و پادشاهی که بر اثر آن کمک های خالصانه به دست می آید خود را شریک می کنند و هم محبت و حمایت مردم را در اختیار خواهند داشت. در اینجا باید ببینیم آیا گروه اول عاقلند که با صرف هزینه در خرید جمادات خود را منفور خلق و خالق می کنند، یا بندگان خالص خدا که با پرداخت حقوق الهی، خود را محبوب خالق و خدا می نمایند.

آری اغنیا می توانند عقل و لیاقت مال خود را با انتخاب یکی از این دو راه بیازمایند. امام صادق (علیه السلام) فرمودن زکات، وسیله آزمایش اغنیا است.

تأثیر در نسل آینده و جامعه فردا

در بسیاری از کتابهای تربیتی و روان شناسی، به هسته مرکزی تربیت که انتخاب همسر و لقمه حلال است، کمتر توجه شده است. اسلام برای تربیت نسل آینده، قبل از آمیزش جنسی به مسئله انتخاب همسر و بعد از آن به نقش لقمه حلال بسیار توجه و تأکید دارد.

پرداخت زکات، سبب پاک و حلال شدن رزق است و لقمه ها را از حق محرومان پاک می کند و نقش لقمه پاک در جامعه و نسل آینده از طریق گرایش به خوبی ها و کمالات و تنفر از بدی ها بر کسی پوشیده نیست.

دفع بلا از امت

در قرآن می خوانیم و لو دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض و لكن الله ذو فضل على العالمين

امام صادق (علیه السلام) ذیل این آیه فرمود: قطعا خداوند به خاطر کسانی از شیعیان ما که زکات می دهند، انواع بلاها و خطرات را از سایرین نیز دفع می کند و اگر زکات این گروه نبود، همه یکجا نابود می شدند. (۱۰۰)

فقر زدایی

یکی از مسایل مهم جامعه، وجود فقر و گرسنگی و سایر کمبودها است که یکی از راههای مبارزه با آن، توجه جدی به مسئله پرداخت خمس و زکات و انفاقات است.

امیر المومنین (علیه السلام) فرمود: هیچ فقری گرسنه نمی ماند مگر به خاطر آن که توانمندی حق خدا را نمی پردازد و خداوند در روز قیامت توانمند را به همین دلیل بازخواست خواهد کرد. (۱۰۱) در روایات متعددی می خوانیم: اگر مردم زکات مال خود را بپردازند، مسلمان فقیری باقی نمی ماند (۱۰۲) امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ محتاج و گرسنه و برهنه ای در جامعه وجود نخواهند داشت، مگر به خاطر گناهان اغنیا (۱۰۳)

ایجاد اشتغال

یکی از مسائل مهم جامعه، وجود بیکاری است که زمینه ساز انواع فسادهاست. اگر مردم خمس و زکات خود بپردازند، چرخهای اقتصاد به گردش درمی آید و بخش مهمی از افراد بیکار شاغل خواهند شد. همان گونه که گاهی از طریق مضاربه یا قرض الحسنه می توان ایجاد اشتغال کرد، از طریق پرداخت خمس و زکات و یا بخشش های بلاعوض و یا از طریق ایجاد زمینه های تحصیل برای بیسوادها و کم سوادها و آموزش فن و حرفه و تاسیس و توسعه مراکز فرهنگی و احداث جاده ها و پلها و آبادانی ها دیگر نیز می توان ایجاد اشتغال کرد. بنابراین در احیای خمس و زکات، حل مسئله اشتغال و توسعه اقتصادی و فرهنگی و پر کردن ایام فراغت و جلوگیری از مفاسدی که در اثر بیکاری به چشم می خورد، نهفته است. به علاوه کار و اشتغال سبب دلگرمی به مکتب، به امت، به نظام اسلامی و سبب شکوفایی استعدادها و نبوغ ها و مانع انواع افسردگی ها فرد و جامعه است و در مقابل آن بیکاری باعث تهکاری، افسردگی، سوء ظن، رکود، ایجاد عقده و زمینه ساز انواع فتنه ها و آشوبها است که اگر شعله آن برافروخته شود، همه را در خود می سوزاند. شاید به همین دلیل باشد که در قرآن جمله لا تلقوا با یدیکم الی التهلکة یعنی خودتان را با دست خود به هلاکت نیندازند، بعد از دستور انفاق مطرح شده است.

آری اگر در جامعه، مردم در قالب خمس و زکات و سایر کمک ها دست از انفاق بردارند و بر فقرا فشار وارد شود، این فشارها تبدیل به آشوب و فتنه ای می گردد که فقیر و غنی در آن میسوزند.

وسيله اقتدار امت اسلام

اگر كمبودها از طريق ماليات هاى اسلامى و خمس و زكات تاءمين شود و افراد جامعه به يك نوع رفاه نسبى دست يابند، دلها نسبت به هم مهربان مى شود، نيروها متمرکز مى گردند و همه پشتيبان يكديگر خواهد بود. چنين جامعه اى داراى صلابت و اقتدار خواهد بود و در مقابل هر وعده و وعيد و يا هر تهديد و تطميعى بيمه مى شود. بخصوص كه در پرداخت خمس و زكات قصد قربت در كار است و هيچ گونه تحقير و منتى روانيست و اين پرداخت از طريق عالم ترين و با تقواترين و پارساترين فردى كه جانشين امام زمان (عجل الله تعالى فرجه) و مرجع تقليد امت اسلامى است ، صورت مى گيرد.

آرى ، جبران كمبودها از طرف پرداخت كنندگان مخلص و اجراى اين كار الهى از طريق مراجع دينى محبوب و متقى ، سبب آرامش و دلگر مى و اتصال به علمائى ربانى خواهد شد كه اين امر خود وسيله ي اقتدار و عزت ملى و اسلامى است .

البته ممكن است مؤ سسات خيريه يا افراد نيكوكار از طريق صندوق ها و بانك ها كمك هاى به محرومان اختصاص دهند، اما مگر تنها هدف اسلام ، علاوه بر رسيدگى به فقرا آثار و اسرار زيادى نهفته است ، از جمله اينكه :

اولا كمك كنندگان صد در صد نيت خالص داشته باشند و هيچ گونه ربا، خودنمائى ، شهرت طلبى در آنها وجود نداشته باشد و انتظار مدح و ستايش و جبران از كسى نداشته باشند.

ثانيا: مالى كه مى پردازند از جنس مرغوب و عالى و حلال و بى منت باشد.

ثالثا: نحوه پرداخت آگاهانه ، عاشقانه ، آزادانه باشد. واسطه پرداخت بايد مرجع تقليد باشد كه در عمرش گناهى براى او سراغ نداشته باشيم .

اين شرايط در تربيت افراد مؤ ثر است و اتصال آنان را به عالم ربانى كه مرزبان مكتب اسلام است ، روشن مى كند و سبب يك اقتدار معنوى مى شود زيرا هم سروكار پرداخت كنندگان و هم سروكار گيرندگان با علمائى ربانى خواهد بود.

كم شدن مفاسد اجتماعى

هم ازيداد سرمايه زمينه ساز فساد است كه با پرداخت خمس و زكات ثروت ها تعديل و مفاسد مهار مى شود و هم فقر ممكن است زمينه وقوع سرقت ، دريافت رشوه ، خيانت و امثال آن شود كه دريافت خمس و زكات ... اين زمينه را مى خشكاند و از بين مى برد.

بنابراين پرداخت خمس و زكات ، در مهار مفاسد اجتماعى نقش مهمى دارد.

حفظ آبرو

در بسیاری از موارد فقر آبروی انسان را در جامعه در معرض خطر قرار می دهد و خمس و زکات ، فقر را از بین می برد و آبروی انسان ها را حفظ میکند. از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: شخصی که در خط فکری ما نیست از دنیا رفته و اطفال فقیری را به جا گذاشته است ، آیا می توانیم از زکات به آنها بدهیم ؟

فرمود: بله ، آن اطفال گرسنگانی هستند که تقصیری ندارند و در راه پدر منحرف خود حرکت می کنند و باید آبرو و موقعیت آنان در جامعه حفظ شود و زندگی آنها تا رسیدن به حد بلوغ و رشد لازم تاءمین گردد. اما، اگر این اطفال بالغ شدند و حق را فهمیدند ولی با لجاجت دست از آن کشیدند، از زکات به آنها ندهید. (سزاوار نیست زکات از افراد مؤمن گرفته و به منحرفین لجوج داده شود). (۱۰۴)

تعدیل ثروت

خمس و زکات ، گامی برای مهار کردن ثروت ها است .

اسلام از یک سو دست افرادی قوی ، مبتکر، پرکار و خلاق را در مالکیت بازگذاشته تا مانع رشد آنان نشود و از سویی درآمدهایی از قبیل سرقت ، دریافت رشوه ، اختلاس و... را ممنوع دانسته است و از سوی دیگر به مالکین درآمدهای حلال اجازه نمی دهد تا درآمد خود را هر گونه خواستند مصرف کنند و آنان را از اسراف و تبذیر و ثروت اندوزی نهی فرموده است و از طرف دیگر با واجب نمودن خمس و زکات و کفارات و سفارش اکید به انواع کمکها و عشق و ایمان برای حل مشکلات طبقه محروم گرفته است .

جذب دیگران

اسلام ، مصرف زکات را برای هشت گروه لازم دانسته است که یکی از آنان افرادی از رؤسا و سرشناسانی هستند که اگر حمایت های مالی از آنان به عمل آید، ابتدا خودشان و سپس قبیله آنان به اسلام جذب میشود.

البته این جذب ، مقدمه گرایش های فکری ، فرهنگی و اعتقادی است ، همچون جاذبه هایی که برای فرزندان در روزهای اول مدرسه آشنا می کنند و سپس رشته علمی و فکری آنان در مدرسه و دانشگاه تاءمین می شود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سهمی از زکات را به رؤسای قبایل می دادند و در هر زمان ولی امر مسلمین می تواند این کار را انجام دهد. (۱۰۵)

از همین سهم که به نام المؤلفة قلوبهم در قرآن مطرح شده است ، می توان مقداری به مسلمانان ضعیف الایمانی پرداخت کرد که اگر به حال خود رها شوند، تبعات و وسوسه های دشمنان در آنان ایجاد شک می نماید. اسلام برای پایداری آنان در دین ، مشکلات اقتصادی آنان را حل می کند و این کار مقدمه ای برای انس بیشتر با عمق و استدلال های مکتب خواهد بود. (۱۰۶)

آثار اقتصادی پرداختن زکات

تلف شدن اموال

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ مالی در خشکی یا دریا ضایع و تلف نمی شود مگر به خاطر آنکه زکات آن پرداخت نشده باشد (۱۰۷) و آن حضرت در حدیث دیگری فرمودند: اموال خود را از طریق پرداخت زکات بیمه کنید و اگر بعد از پرداختن زکات مالی تلف شد، من ضامن آن هستم. (۱۰۸)

انتقام دو برابر

در روایات می خوانیم: کسی که حق خدا را نپردازد و در راه حق مال خود را صرف نکند، دو برابر آن مقدار را در راه باطل صرف خواهد کرد. (۱۰۹)

هزینه شدن اضطراری مال در راه اشرار

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که مال خود را از مصرف در راه خوبان با اختیار خود باز دارد، خداوند مال او را در راه اشرار با اجبار صرف خواهد نمود. (۱۱۰)

هزینه شدن مال در راه گناه

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آگاه باشید، کسی که مال خود را در راه اطاعت خداوند صرف نکند، به هزینه کردن آن در راه معصیت خداوند گرفتار می شود و هر کس در حل مشکلات ولی خدا گامی برندارد، خداوند او را بر تلاش و حرکت در راه حل مشکلات دشمن خدا گرفتار می کند. (۱۱۱)

کمبود و قحطی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: امت من تا مادامی که یکدیگر را دوست بدارند و اهل نماز و زکات باشند در خیر و سعادت به سر می برند، ولی اگر این گونه نباشند، گرفتار قحطی می شوند. (۱۱۲)

محروم شدن از تولیت و تعمیر مراکز دینی

در سوره توبه می خوانیم : که مشرکان حق تعمیر مساجد را ندارند، بلکه تعمیر و آباد کردن مساجد تنها سزاوار کسانی است که اهل نماز و زکات و شجاعت باشند. (۱۱۳)

بی برکتی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: اذا منعت الزکوة منعت الارض برکاتها (۱۱۴) هر گاه زکات پرداخته نشود، زمین برکات خود را از مردم باز می دارد و در حدیث دیگری می خوانیم : اگر توانگران زکات مال خود را نپردازند، خداوند باران رحمت خود را از مردم باز می دارد. (۱۱۵)

و در حدیث دیگری از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم : اگر زکات پرداخته نشود، برکت از کشاورزی و میوه ها و معادن برداشته می شود. (۱۱۶)

گسترش فقر

هر گاه مردم زکات ندهند نیاز مردم جلوه می کند (۱۱۷) و حال فقرا بد می شود. (۱۱۸)

مرگ چهار پایان

امام رضا (علیه السلام) فرمود: هر گاه زکات پرداخت نشود، چهارپایان می میرند. (۱۱۹)

محروم شدن از رحمت

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که حق خداوند را از مالش نپردازد، سزاوار است که خداوند رحمت خود را از او دریغ کند. (۱۲۰)

اخراج از مسجد

امام باقر (علیه السلام) فرمود: روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد مسجد شدند و با جمله قم یا فلان ، قم یا فلان ، قم یا فلان پنج نفر را از مسجد اخراج کردند و فرمودند: شما که زکات نمی دهید از مسجد بیرون بروید. (۱۲۱) آری نمازگزار واقعی بخیل است . اذا مسه الخیر منوعاً الا المصلین .

علامت نفاق

در آیه ۶۷ سوره توبه که سیمای منافقان را بیان می کند، می فرماید:

آنان دست خود را از کمک به دیگران می بندند و (این گونه) خدا را فراموش می کنند، خداوند نیز با آنان رفتار فرانش شدگان را انجام می دهد. (۱۲۲)

قبول نشدن نماز و عبادت

در روایات می خوانیم: قبولی تمام اعمال ، وابسته به قبولی نماز است و قبولی نماز وابسته به پرداخت زکات است . (۱۲۳)

امام رضا (علیه السلام) فرمود: خداوند نماز و زکات را همتا و مقرون یکدیگر قرار داد و نماز بی زکات پذیرفته نیست . (۱۲۴)

حضرت موسی (علیه السلام) جوانی را دید که نماز با حالی می خواند، به خداوند گفت: چه نماز زیبایی دارد! به او وحی شد نماز او زیباست ولی این جوان بخیل است و زکات نمی پردازد و تا زمانی که زکات ندهد، نمازش قبول نیست . (۱۲۵)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: نماز کسی که زکات نمی پردازد همچون لباس کهنه در هم پیچیده و به صورت نمازگزار پرتاب می شود. (۱۲۶)

همردیف ربا خواران

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: مانع الزکوة کاکل الربا کسی که زکات ندهد همچون کسی است که رباخوار است . (۱۲۷)

پرداخت نکردن زکات ، نوعی سرقت است . در حدیث می خوانیم: سه نوع دزد و سارق داریم که یکی از آنان کسی است که زکات نمی دهد. (۱۲۸)

نپرداختن زکات ، خیانت و شرک به خداوند است . (۱۲۹)

گیرندگان و مصرف زکات

مصرف زکات نیز باید دقیق و به جا و در مواردی که دستور خداوند است باشد. در روایات می خوانیم: اگر زکات در جای خود مصرف نشود، انسان ضامن است. (۱۳۰)

قرآن بعد از آنکه موارد هشتگانه مصرف زکات را در آیه ۶۰ سوره توبه بیان می کند، در پایان می فرماید: فريضة من الله و الله عليم حكيم . در هر یک از کلمات فريضة ، عليم ، حكيم ، نکته ای نهفته است :

فريضة است یعنی تقسیم زکات واجب است و باید آن را جدی بگیرد.

عليم حكيم یعنی خداوند می داند که حل مشکلات فقرا و نابسامانی ها در سایه انجام صحيح واجبات الهی و تقسیم صحيح زکات است ، بنابراین مصارفی که در قرآن برای زکات آمده عالمانه و حکیمانه است و اگر زکات در جای خود مصرف نشود، بر خلاف علم و حکمت است .

در برخی روایات آمده است : اگر زکات در جایی مصرف شود که مورد نهی خداوند باشد، پروردگار آن را قبول نخواهد کرد. (۱۳۱)

بهتر است که ما سر سفره قرآن بنشینیم و موارد مصرف زکات را از متن وحی بیاموزیم :

قرآن می فرماید: ﴿انما الصدقات للفقراء و المساکين و العاملين علیها و المؤلفة قلوبهم و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل فريضة من الله و الله عليم حكيم﴾ (۱۳۲)

با توجه به این آیه ، زکات در هشت مورد قابل مصرف است :

اول و دوم : فقرا و مساکين

امام صادق (علیه السلام) در معنای فقیر و مسکین فرمودند: فقیر کسی است که از دیگران درخواست کمک نمی کند، ولی مسکین (که در شرایط سخت زندگی می کند) کسی است که بخاطر فشار فقر، از مردم درخواست کمک می کند. (۱۳۳)

نا گفته نماند شرط فقیر و مسکین بودن بیکاری نیست ، چه بسا افرادی دارای شغل و کار و سهم یا سهامی باشند، ولی درآمد آنان کفایت مخارج زندگی آنها را نمی کند.

قرآن درباره آن کشتی که حضرت خضر آن را سوراخ کرد، می فرماید: صاحبان کشتی جمعی از مساکين کارگر بودند. واما السفينة فکانت لمساکين يعملون فی البحر (۱۳۴)

فقر زدایی

اسلام فقر زدایی را در راس مصارف زکات قرار داده است . اگر نگاهی به آیات و روایات و سیره پیامبر اسلام و اهل بیت معصومش (علیه السلام) ببینیم ، اهمیت مسئله را بهتر و بیشتر درک خواهیم کرد. به چند نمونه توجه کنیم :

بی اعتنایی به گرسنگان سبب سرنگونی در دوزخ است . قرآن می فرماید: در قیامت بهشتیان از دوزخیان می پرسند چه چیز سبب دوزخی شدن شما شد؟ آنان در پاسخ می گویند: ما به فکر گرسنگان نبودیم . (۱۳۵)

حتی اگر انسان مال و ثروتی ندارد، نمی تواند در برابر نیازمندان بی تفاوت باشد، بلکه باید دیگران را به کمک کردن تشویق و وادار کند و گرنه مورد توبیخ واقع می شود (۱۳۶) قرآن رسیدگی به گرسنگان و فقرا را طی کردن گردنه های آزمایش می داند. (۱۳۷)

توجه به گرسنگان اختصاص به گرسنگان مسلمانان ندارد، بلکه باید همه مردم جامعه سیر باشند. حضرت ابراهیم پس از بنا کردن خانه کعبه ، در دعای خود گفت : پروردگارا از مردم مکه هر کس ایمان دارد او را روزی ده . (۱۳۸) خداوند فرمود: من کفار گرسنه را نیز رزق می دهم . (۱۳۹)

سیر کردن گرسنگان عبادتی است که امامان ما و اهل بیت (علیه السلام) شخصا انجام می دادند و برای این کار کسی را نایب نمی گرفتند. در تاریخ می خوانیم که برای کیفر و جریمه کفار سخاوتمند، تخفیفی داده می شد. نه تنها انسان ها که به حیوانات و گیاهان نیز باید رسیدگی شود تا آنجا که در حدیث می خوانیم : سیراب کردن درخت تشنه همچون سیراب کردن مسلمان تشنه است .

در اسلام ، توجه به گرسنگان تا آنجا مهم است که اگر گرسنه ای نان مردم را سرقت کرد، به عنوان دزدی دستش قطع نمی شود.

و اگر شخصی غذای مردم را در انبار خود احتکار نمود و با تذکرات حاکم اسلامی بیدار نشد، حکومت اسلامی می تواند با او برخورد انقلابی کرده و گندم و غذاهای مردم را از انبار او خارج کند.

سوم: والعاملین علیها

یکی از مصارف زکات ، پرداخت بخشی از زکات به کسانی که برای زکات (جمع آوری ، تقسیم و حفظ اموال زکاتی) تلاش می کنند (۱۴۰). آری همان گونه که زندگی قاضی باید تأمین شود تا به فکر گرفتن رشوه نیفتد، زندگی دست اندرکاران مسئله زکات نیز باید به نحوی تأمین شود و حتی اگر بی نیازند باید سهمی از زکات به آنان پرداخت شود (۱۴۱) و بدین و سیاه مورد تشویق و محبت دیگران قرار گیرند تا به خاطر توسعه در زندگی به فکر رفتار ناروا نیفتند.

پاداش معنوی دست اندرکاران زکات

حضرت علی (علیه السلام) پس از سفارشاتى که به کارگزاران مسئله زکات می کنند، می فرماید: اگر به این سفارشات عمل کنید، قطعاً به پاداش بزرگتری خواهید رسید و به تکاملی که در شأن شماست نزدیک خواهید شد، زیرا خداوند به اموال زکاتی و به شما کارگزاران امر زکات و به تلاش و دلسوزی که نسبت به حاکم اسلامی و فقرای تحت پوشش او دارید، نگاه لطف و مرحمتی دارد و هر کس که مورد نظر و لطف خداوند قرار بگیرد، در بهشت (رفیق اعلی) با ما خواهد بود. (۱۴۲)

چهارم : والمؤلفة قلوبهم

سهمی از زکات باید در راه تثبیت عقائد مردم از راه ایجاد روابط حسنه و جذب قلوب آنان مصرف شود. از قدیم گفته اند هر گردویی گرد است ، ولی هر گردی گردو نیست ، هر مؤمنی مسلمان هست ، ولی هر مسلمانی مؤمن نیست . بسیاری کسانی که مسلمان هستند، یعنی از شرک دورند و در مدار توحید قرار دارند، اسلام برای آنکه دست این افراد را بگیرد و به مراحل بالاتر ببرد، راه هایی را مطرح کرده است از جمله :

۱- احترام به مال و جان و آبرو و ناموس آنان و اینکه همه مردم باید حقوق یک برادر دینی را در حق آنان مراعات نمایند.

۲- مشورت با آنان ، دفاع از آنان ، تعلیم آنان ، رفت و آمد با آنان و دیدار و زیارت آنان .

۳- یکی از راه های جذب این افراد همین است که سهمی از زکات برای کمک یا توسعه در زندگی آنان صرف شود تا با این عمل معرفت و شناخت در جان آنان تثبیت شود. کسانی که با اسلام داغ شده اند، باید با محبت ها پخته شوند، دیگر خام نمی شود.

کسانی که به امروز فقط به اسلام شده اند یدخلون فی دین الله ، با این گونه رفتارها و محبت ها، اسلام در درون و جان آنان جای می گیرد. آری ، فرق است میان کسانی که داخل در اسلام شده اند یا اسلام و ایمان در روح آنان داخل شده باشد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: مراد از مؤلفه قلوبهم گروهی هستند که توحید را پذیرفته و از مدار شرک خارج شده اند، ولی هنوز معرفت محمد (صلی الله علیه و آله) در قلبشان رسوخ نکردن است . پس پیامبر اسلام و بعد از آن حضرت مؤمنان باید سهمی از زکات را صرف این گونه افراد نمایند تا محبت و معرفت در آنان تثبیت شود. (۱۴۳) صد حیف که ابر قدرت ها با فرستادن کتاب ها، کشیش ها، داروها، کارشناس ها، دعوت نامه ها، بورسیه ها، هیئت های علمی و فنی و صدها راه دیگر برای توسعه فکر غلط خود، یا فروش اجناس خود، یا خودنمایی و یا سلطه گری ، سایه شوم خود را بر کشورها گسترش داده اند، هجرت ها کرده اند، کنگره ها گرفتند، توطئه ها کردند، افرادی را با زور پول ، تهدید، وعده و وعید خریدند، به اسم جهانگرد و جب به وجب سرزمینهای ما را گشتند و به اسم کارشناس فنی ، اقتصاد ما و به اسم کارشناس نظامی ، قوای مسلح ما را زیر نظر گرفتند و بدتر از همه اینکه از بودجه خود ما علیه خود ما کارکردند، ولی متأسفانه مسلمانان با داشتن ده ها فرمان به سیر و سفر، به هجرت و تبلیغ ، به فراگیری علوم از شرق و غرب از گهواره تا گور و از زمین تا ثریا در خواب غفلت فرو رفته اند.

فراموش نکنیم که حضرت علی (علیه السلام) در روزهای آخر عمر مبارکشان با ناله می فرمود: مبادا دیگران در عمل به اسلام از شما جلو بیفتند.

اگر ما امروز با پرداخت حق الهی دل افراد ضعیف را جذب کنیم، تمام توطئه ها و تبلیغات و تهاجمات دشمن را خنثی خواهیم کرد.

پنجم: و فی الرقاب

سهمی از زکات برای آزاد سازی بردگان است. در طول تاریخ تضاد، درگیری، جنگ، قتل و اسارت وجود داشته است. آنچه مهم است بررسی سرچشمه ها، هدف ها، اخلاق و آداب و نتایج این تضادها است. اسلام انگیزه جنگ ها را رفع فتنه و دفاع و دعوت به حق می داند و برای زمان و مکان و کسانی که درگیرند و از جمله اسیران، برنامه ها و آداب بسیار عالی و حکیمانه دارد.

اسیر در اسلام

اسیران معمولاً کسانی هستند که در جبهه جنگ با مسلمانان، اسیر شده اند که درباره آنان چند طرح را می توان تصور کرد:

۱- تمام اسیران را یکجا بکشیم که این کار با عاطفه و عقل و راءفت اسلام سازگار نیست.

۲- تمام آنان را یکجا آزاد کنیم. این عمل سبب می شود که آنان پس از آزادی دوباره تجدید قوا کنند و به جنگ ما بیایند.

۳- آنان را در اردوگاه ها نگهداری کنیم. این کار سبب رکود فکری، اقتصادی و تحمل هزینه زیاد است.

۴- اسرا را در میان مسلمین تقسیم کنیم و پس از مدتی به تدریج آزاد نمائیم که این طرح متعلق به اسلام و دارای امتیازاتی است. از جمله:

الف: در این طرح هزینه اسرا در میان مسلمین تقسیم می شود و فشاری بر نظام وارد نمی گردد.

ب: اسرا در میان توده امت اسلامی با برنامه های اسلام آشنا می شوند و بسیاری از آنان دست از کفر و شرک برمی دارند. در تاریخ نام بسیاری از بردگان مسلمان شده که منشاء آثار و برکات و بدست گرفتن مسئولیت های حساس شده اند، آمده است تا آنجا که مادر شش امام معصوم ما، از جمله کنیزان بوده اند و فرزندان بسیاری از بردگان در زمره نوابغ قرار گرفته اند.

ج: کفاره روزه خوردن و یا بسیاری از اعمال ناروای دیگر، آزاد کردن برده قرار داده شده است.

د: سهمی از زکات مسلمین برای خرید بردگان و آزاد سازی آنان اختصاص داده شده است.

ششم : والغارمین

سهمی از زکات برای بدهکارانی است که توان پرداخت بدهی خود را ندارند. آری ، بر امام و حاکم اسلامی است که بدهی کسانی را که بدهکارند و بدهی آنان به خاطر اسراف و فساد نیست ، از سهم زکات پرداخت نماید و در غیر این صورت گناهکار است . (۱۴۴)

چه بسیارند افراد آبرومندی که به خاطر بدهی ، گرفتار وام های با بهره (ربا) می شوند و هر روز بدهی آنان اضافه می گردد و به تدریج ورشکست شده و به فروش خانه و مغازه و ماشین خود مجبور می شوند و آبروی چندین ساله آنان یکجا فرو می ریزد و فرزندان شان تحقیر می شوند. اگر هر یک از احکام الهی درست عمل شود، تمام مشکلات جامعه حل می شود. خدای علیم و حکیم از علم و حکمت بی نهایت خود دستور داد تا بخشی از سهم زکات صرف پرداخت بدهی بدهکاران شود. بدهکاری که امروز گیرنده زکات است ، همچون پیچ و مهره ی زنگ زده ای است که اگر کمی روغن به آن برسد، دوباره به حرکت در می آید و فعالیت های اقتصادی خود را از سر گرفته و چه بسا در فاصله کمی ، خودش هم از زکات دهندگان می شود.

هفتم : و فی سبیل الله

یکی از مصارف زکات ، هر کاری است که رنگ الهی داشته باشد، یعنی خدا پسند و به مصلحت عموم مردم باشد. از ساخت مدارس ، مساجد، مسکن برای محرومان ، درمانگاه ها، پل ها گرفته تا برطرف کردن فتنه ها و کمک به ازدواج ، زلزله زده ها، جنگ زده ها، کتابخانه ها، انجام تبلیغات اسلامی ، تعظیم شعائر اسلامی ، رسیدگی به یتیمان و فقرا، انجام امور دینی ، اصلاح و آشتی دادن مسلمین و ایجاد اشتغال برای کسانی که تخصص ندارند و ده ها نمونه دیگر. (۱۴۵)

یکی از امتیازات دین اسلام آن است که هرگز بن بست ندارد و در کنارهای مشخص و رسمی ، انواع کارهای داوطلبانه و آزاد را نیز قراردادده است :

۱- اگر هفده رکعت نماز واجب و رسمی داریم ، بیش از سیصد نوع نماز مستحبی داوطلبانه داریم ،

۲- اگر سفر حج در ایام مخصوص است ، سفر عمره در هر ماه جایز است .

۳- اگر خواندن سوره حمد در نماز واجب است ، بعد از آن خواندن بیش از صد سوره دیگر آزاد است .

۴- اگر روزه در ماه رمضان رسمی است ، در تمام ایام سال (غیر از عید فطر و قربان) روزه گرفتن داوطلبانه و اختیاری است .

۵- اگر خمس و زکات به مقدار معینی واجب شده است ، پرداخت انواع صدقات و انفاقات بستگی به اراده پرداخت کننده و شرائط دیگر دارد.

۶- اگر در مصرف زکات نامی از بدهکاران ، بردگان ، فقرا و کارگزاران مسئله زکات آمده است ، عبارت فی سبیل الله دست همه را باز گذاشته است که هر کار خدا پسندانه دیگر را نیز می توان انجام داد.

ممکن است در زمانی کار خدا پسند ساختن آب انبار باشد و در زمان دیگر خرید کامپیوتر. اگر در زمانی چاپ کتاب راه خداست ، ممکن است در شرایط و زمان دیگر کار خداپسندانه امر دیگری باشد. بنابراین عبارت فی سبیل الله هر کار خیری را در بر می گیرد.

هشتم : ابن السبیل

ابن السبیل یعنی فرزندان وابسته به راه ، کسی که گر چه در وطن خود فقیر نیست ، ولی در منطقه دیگر به خاطر تصادف ، دزدی ، بیماری ، تحصیل ، گرانی و... نیاز به کمک دارد که اگر مورد حمایت قرار نگیرد، جان یا آبروی او در معرض خطر قرار می گیرد و نیاز مالی از یک سو و احساس غربت از سوی دیگر، فشار روحی و روانی خاصی بر او وارد می کند. مکتب زنده اسلام که در تمام برنامه هایش به مسئله جان و مال و آبرو و شخصیت افراد توجه خاصی دارد، در اینجا نیز با اختصاص دادن سهمی از زکات ، هم آبروی آنان را حفظ می کند و هم دغدغه آنان را بر طرف می نماید.

آداب پرداخت زکات

برای کمک به فقرا، آداب فراوانی ذکر شده است که مراعات آنها ارزش کار را بالا می برد از جمله :

ادب سیاسی

باید کمک ها زیر نظر ولایت و امامت باشد (نه سلیقه ای و خود سرانه)، حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

مخفی کردن زکات از حاکم اسلامی ، نوعی نفاق است . (۱۴۶)

معنای مخفی کردن ، گریز از پرداخت است ، نه اینکه مخفیانه پرداخت کند.

ادب روانی

پرداخت زکات باید برخاسته از رضایت قلبی و طیب خاطر باشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس زکات مال خود را عاشقانه بدهد در برابر هر دانه گندم و جو و... قصری در بهشت دریافت می کند. (۱۴۷)

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: اگر پرداخت زکات با رضایت قبلی نباشد، گرفتار پشیمانی طولانی و از دست دادن پاداش و انحراف عمل خواهد شد. (۱۴۸)

نکته دیگر این که زکات دهنده توجه داشته باشد که هر چه دارد از خداوند است و پرداخت زکات، او را به خودپسندی و غرور که سبب نابودی عمل اوست نکشاند. لذا قرآن درباره آباد کنندگان مساجد که اهل نماز و زکاتند می فرماید: فعسی اولئک یکونوا من المہتدین (۱۴۹) امید است هدایت شده باشند. شاید کلمه امید است به خاطر آن باشد که گاهی عبادات انسان، به خاطر غرور و عجت نبود می شود و انسان را به کمال مطلوب نمی رساند.

ادب اجتماعی

گر چه در ظاهر زکات به شخص فقیر پرداخت می شود ولی در حقیقت این خداوند است که زکات را دریافت می کند. (۱۵۰)

آری پیامبر و امام و فقیر، نماینده و دست خدا هستند و لذا باید کمال احترام به آنان گذاشته شود.

امام صادق (علیه السلام) از یکی از یاران خود (اسحاق) پرسید: زکات مال خود را چه می کنی؟ گفت: فقرا به نزد من می آیند و من به آنها پرداخت می کنم. امام فرمود: این کار تو سبب ذلت فقرا است و هر کس دوست خدا را ذلیل کند، گویا در کمین جنگ با او نشسته است. (۱۵۱) آری به جای آنکه فقرا برای دریافت زکات به خانه تو آیند، تو باید زکات را به منزل آنان ببری. در حدیث دیگری می خوانیم: اگر گیرنده زکات از کلمه زکات رنج می برد، زکات را به او بدهید ولی نگویید که این زکات است و مؤمن فقیر را ذلیل نکنید. (۱۵۲)

در حدیث دیگری می خوانیم: اگر شخصی احساس کند که بهتر است به جای پرداخت پولی به فقرا، برای آنان لباس و جنس دیگری خریداری کند، می تواند به جای پرداخت نقدی، لباس و.. برای فقرا خریداری کند. (۱۵۳)

اسلام برای حفظ آبروی فقیر می فرماید: کمتر از پنج درهم به او ندهید. (۱۵۴)

امام خمینی (رحمة الله علیه) می فرماید: اگر شخصی از گرفتن زکات شرمند می شود، مستحب است هنگام پرداخت در قلب نیت زکات کنید، ولی در عمل آن را به عنوان هدیه قلمداد نمایید. (۱۵۵)

نه تنها هنگام پرداخت زکات باید حفظ آبروی مردم را مراعات کرد، بلکه بعد از پرداخت آن نیز نباید با منت گذاشتن، گیرنده زکات تحقیر شود، زیرا قرآن میفرماید: منت و آزار، سبب بطلان پاداش می شود. (۱۵۶)

اگر بدانیم که فقیر ماءمور الهی است تا مال ما را پاک کند و آن را برای قیامت حمل کند، با او برخورد کریمانه ای خواهیم داشت.

در اسلام احترام گذاشتن به فقرا قدری مهم است که در تاریخ می خوانیم: جنس کمی را نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آوردند. حضرت آن مقدار کم را به بعضی از فقرا داد، ولی نگران شد که مبادا در دل دیگران کدورتی ایجاد شود. نزد سایر فقرا آمد و رسماً عذرخواهی کرد که چون مال کم بود به همه نرسید و فرمود: به کسانی دادم که حساسیت آنان بیشتر بود. (۱۵۷)

ادب زمانی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: از اخلاق مؤمنین، سرعت در پرداخت زکات است (۱۵۸)

سرعت در پرداخت زکات برکاتی دارد از جمله: الف: نشانه عشق و علاقه نسبت به انجام تکالیف است.

ب: فقیر در اثر تأخیر پرداخت، آبروی خود را با سؤال و درخواست نمی ریزد.

ج: راه را به روی وسوسه های شیطان و افراد بخیل یا پیش آمد حوادثی که ممکن است مانع پرداخت شوند، می بندد.

د: فقر از اضطراب و دغدغه و دلهره، زودتر نجات می یابند.

امام صادق (علیه السلام) به مناسبت آیه و آتوا حقه یوم حصاده فرمود: قبل از آنکه محصولات را به خانه ببرید، زکاتش را بدهید تا به سخاوت نزدیک تر باشید. (۱۵۹)

پرداخت علنی

نکته دیگر در آداب پرداخت زکات آن است که علاوه بر کمک های مخفیانه ای که نشانه اخلاص و حفظ آبروی گیرندگان است، باید گاهی از اوقات پرداخت ها آشکار باشد تا هم دیگران تشویق شده و کمک کردن به دیگران جزء فرهنگ جامعه شود و هم انسان به بخل و بی تفاوتی متهم نشود.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر چه را خداوند واجب نموده است، علنی انجام دهید. (۱۶۰)

بوسیدن دست

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: هر گاه با دست خود به فقیری کمک کردید، همان دست را ببوسید چون در حقیقت خداوند کمک شما را دریافت کرده است. (۱۶۱)

درخواست دعا از گیرنده

در روایات می خوانیم که چون دعای فقیر در حق کسی که به او کمک می کند مستجاب می شود، از فقیر تقاضا کنید تا در حق شما دعا کند. (۱۶۲)

تمام اموال خود را ندهد

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه و آتوا حقه یوم حصاده و لا تسرفوا... فرمودند: شخصی از یاران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تمام اموال خود را در راه خدا داد ولی خود و همسر و فرزندانش محروم ماندند، خداوند این نحوه پرداخت را اسراف می داند. (۱۶۳)

مکان پرداخت

همین که اموال یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مقدار نصاب می رسید، زکاتشان را به مسجد می آوردند و حضرت در همان مکان زکات جمع شده را میان فقرا تقسیم می فرمودند. (۱۶۴)

بعد از پرداخت

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر کس زکات مال خود را به مستحق بدهد و نمازش را با شرایط و حدود معین شده انجام دهد و بعد از نماز و زکات گناهی که سبب بطلان عملش شود انجام ندهد، در روز قیامت همه به او غبطه می خورند. (۱۶۵)

از حلال باشد

خداوند پاک و طیب است و جز مال پاک را نمی پذیرد (۱۶۶) گروهی قبل از اسلام در آمدهای ناحقی داشتند، همین که اسلام آوردند خواستند آن اموال نامشروع را صدقه بدهند که اسلام اجازه نفرمودند. (۱۶۷)

امام حسین (علیه السلام) فرمود: صدقه ی دل پسند صدقه ای است که انسان با عرق پیشانی و غبار صورت آن را بدست آورد و به فقرا بپردازد. (۱۶۸)

از مال مرغوب باشد

قرآن می فرماید: لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون . به نیکی نمی رسید مگر آنکه از چیزی که دوست دارید، در راه خدا انفاق کنید.

قرآن از مشرکانی که در تقسیم مال خود بخش های ناپسند را سهم خداوند قرار می دادند، انتقاد می فرماید. (۱۶۹)

آری این عمل یک نوع بی ادبی نسبت به مقام پروردگار است . (۱۷۰)

قرآن می فرماید: از اجناس دل پسندی که بدست آورده اید و یا ما برای شما از زمین بیرون آورده ایم ، به دیگران انفاق کنید و هرگز به فکر انفاق از مال نا مرغوب نباشید. (۱۷۱)

در حدیث می خوانیم : در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گروهی بدترین نوع خرما (۱۷۲) را به فقرا می دادند و قرآن با جمله و لا تیمموا الخبیث منه آنان را از این عمل باز داشت . (۱۷۳)

برداشت محصول در برابر چشم مردم باشد

امام صادق (علیه السلام) فرمود: محصولات کشاورزی خود را شبانه برداشت نکنید، سپس این آیه را تلاوت فرمودند و اتوا حقه یوم حصاده (۱۷۴) یعنی حق محرومان را همان روز برداشت بدهید و فرمود: اگر شما محصول خود را شبانه برداشت کنید، فقرا اطلاع پیدا نمی کنند و گرسنه می مانند و شما از برکات پرداخت زکات محروم می مانید. (۱۷۵)

مقدار دریافت زکات چه قدر باشد؟

۱- امکانات نسبی مانع گرفتن زکات نیست ، به چند حدیث توجه کنید:

شخصی به امام صادق (علیه السلام) گفت : فلانی منزلی دارد که چهار هزار درهم ارزش دارد، شتری دارد که هر روز دو تا چهار درهم علاوه بر هزینه علف سود دارد، به علاوه همسر و غلام دارد. امام فرمود: آیا از من می خواهی که او را وادار کنم منزلی که زادگاه و سبب عزت اوست یا غلام و شتری که وسیله زندگی اوست بفروشد؟! هرگز، او می تواند زکات بگیرد و لازم نیست خانه و شتر و غلامش را بفروشد. (۱۷۶)

۲- به امام صادق (علیه السلام) گفتند: عیسی بن اعین به نیازمندی چنین گفت : چون دیدم که تو گوشت و خرما خریدی پس فقیر نیستی و با اینکه زکات دارم به تو نمی دهم . هر چه فقیر عذر آورد که خرید گوشت و خرما دائمی نبوده است ، بر عیسی بن اعین اثر نکرد. امام برای مدتی دست مبارکش را بر پیشانی گذاشتند سپس سر بلند کرده و فرمودند: خداوند عنایتی به اموال غنیا و سپس توجهی به اموال فقرا فرمود، پس در اموال اغنیا سهمی که برای فقرا کافی باشد قرار داد. (۱۷۷)

۳- از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: از سهم زکات تا صد درهم به فقیر بدهم ؟ حضرت فرمود: بله .

پرسیدند: از سهم زکات تا دویست درهم به فقیر بدهم ؟ فرمود: بله .

پرسیدند: از سهم زکات تا سیصد درهم بدهم ؟ فرمود: بله .

پرسیدند: از سهم زکات تا چهار صد درهم به فقیر بدهم ؟ فرمود: بله .

پرسیدند: از سهم زکات تا پانصد درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: بله آن قدر بده تا او را بی نیاز کنی. (۱۷۸)

۴- امام صادق (علیه السلام) از حضرت علی (علیه السلام) نقل می فرماید که: زکات برای کسانی است که نه مقام حکومتی دارند و نه ساختمانی و نه ثروت و تجارتي، و نه برای اجیر شدن آشنایی با حرفه ای دارند و نه توان بدنی برای کارهای ساده، پس خداوند در اموال اغنیا سهمی را برای این افراد واجب فرموده است، به مقداری که در زندگی فلج نباشند و بتوانند روی پای خود بایستند. (۱۷۹)

از امام پرسیدند: زندگی شخصی از طریق پدر یا عمو یا برادرش در حد ساده تاءمین می شود. آیا می تواند برای توسعه زندگی زکات بگیرد؟ امام فرمود: مانعی ندارد. (۱۸۰)

در حدیث دیگری می خوانیم: حتی برای ازدواج کردن می تواند زکات بگیرد. (۱۸۱)

در حدیث دیگری آمده است که می تواند به قدری بگیرد که بتواند صدقه نیز بدهد. (۱۸۲)

در بعضی روایات می خوانیم: فقیر می تواند زکات بگیرد و زندگی خود را تاءمین نماید و حتی اگر حج نرفته است، با آن به مکه نیز برود. (۱۸۳)

البته با توجه به اینکه فقیر تا مرز یک زندگی عادی می تواند از زکات استفاده کند، رفتن به حج در آن زمان از مدینه یک هزینه استثنائی به حساب نمی آید (و الله العالم).

نکاتی که باید گیرندگان خمس و زکات و غیره به آن توجه کنند

گیرندگان خمس و زکات و انفاقات نیز باید به نکاتی توجه نمایند:

۱- آنچه می گیرد در موارد ضروری صرف کند.

۲- از پرداخت کننده تشکر و در حق او دعا کند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدا لعنت کند کسی را که راه خیر را به روی دیگران می بندد. یعنی از کمک کنندگان تشکر نمی کند و آنان را با بی اعتنائی و کفران خود، از این که به دیگری کمک کنند، دلسرد می کند. (۱۸۴)

۳- نه پرداخت کننده را تحقیر کند و نه آنچه را می گیرد.

کسانی که مال اندک خود را خالصانه برای کمک به جبهه به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می دادند، مورد تحقیر بعضی از افراد قرار می گرفتند و قرآن این تحقیر را به شدت نکوهش می کند. (۱۸۵)

اموال شبهه ناک را نگیرد

گاهی از اوقات ، افرادی برای اهداف نابجا اموالی را به نام هدیه ، چشم روشنی ، عیدی ، سوغاتی و غیره به دیگران می دهند تا دل آنان را به سوی خود جذب کنند و بستر را برای رسیدن به اهداف خود آماده نمایند. جالب آنکه هیچ مقامی از تیررس و شکار ایشان مصون نیست . این قبیل افراد از بردن هدایایی در دل شب به در خانه حضرت علی (علیه السلام) نیز دریغ ندارند. (۱۸۶)

۵ - بیش از نیاز خود نگیرد.

۶ - ضمن تشکر از پرداخت کننده ، خدا را سرچشمه لطف بداند و مردم را به عنوان واسطه فیض بیشتر تلقی نکند. (۱۸۷)

گیرندگان که اولویت دارند

۱ - والدین

در قرآن می خوانیم : هر چیزی که می دهید قبل از هر کس ، والدین و بستگان خود را در نظر بگیرید. (۱۸۸)

حتی اگر وصیت می کنید، قبل از هر کس به نفع والدین و بستگان خود وصیت کنید. (۱۸۹)

شعار اسلام این است که لا صدقه و ذورحم محتاج (۱۹۰) اگر بستگان محتاج باشند کمک شما به دیگران ارزش ندارد.

۲ - مکتبی بودن

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: زکات حق کیست ؟ فرمود: طرفداران ما. پرسیدند: اگر زیاد آمد، فرمود: به همان افراد اضافه بدهید و این سؤال را چند بار تکرار کردند، باز امام فرمود: به طرفداران مکتب اهل بیت (علیه السلام) اضافه بدهید و سؤال را تکرار کردند. امام صادق (علیه السلام) با کلمه لا و الله فرمود: به غیر طرفداران ما ندهید، مگر در شرایط حساسی که نیاز به ترحم باشد که در این صورت به حداقل پرداخت اکتفا کنید. سپس امام برای بیان حداقل ، انگشت شست خود را روی چهار انگشت گذاشتند. (۱۹۱)

البته اکتفا به حداقل در مواردی است که مخالفان در برابر اهل بیت ، سرسختی کنند ولی اگر مخالفتشان بر اساس لجاجت نباشد و یا احتمال جذب و گرایش آنان به مکتب اهل بیت وجود داشته باشد، شاید بتوان از باب مؤلفه قلوبهم سهم چشم گیری از زکات به آنان پرداخت کرد.

بنابراین جایگاه اصلی مصرف زکات ، طرفداران مکتب اهل بیت در چهار چوب اصول و نظریه فقها عمل شود.

ایمان و عقل و تقوی

در روایات می خوانیم ، نسبت به مؤ منین با ۱۰۰۰ (درهم و دینار) بخشیده شود، ولی نسبت به نا اهل و فاجر به مقدار حداقل . زیرا مومن کمک را در راه اطاعات خدا و فاجر در راه معصیت خدا صرف می کند. (۱۹۲)

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: جزا افراد با تقوی غذای تو را نخورند. (۱۹۳)

آری ، کمک رسانی به افراد متقی ، گامی در توسعه خیر و برکت و صلاح است و کمک رسانی به نا اهل ، گامی در گسترش فساد و تباهی ، و انسان باید بوسیله پرداخت زکات خود علاوه بر سیر کردن گرسنگان ، مکتب حق و راه صلاح را گسترش دهد. کمک به اهل علم ، توسعه فرهنگ است .

از امام باقر (علیه السلام) پرسیدند: چگونه مال خودم را به دیگران عطا کنم ؟ فرمود: براساس فقه ، عقل و سابقه هجرت . (۱۹۴)

۴ - آبرومندانی که از سوال کردن خجالت می کشند

قرآن می فرماید: (اتفاق شما مخصوصا باید) برای نیازمندی باشد که در راه خدا در تنگنا قرار گرفته اند (و توجه به آیین خدا آنها را از وطن های خویش آواره ساخته و شرکت در میدان های جهاد و مشابه آن به آنان اجازه نمی دهد تا برای تاءمین هزینه زندگی ، دست به کسب و تجارت بزنند)، نمی توانند مسافرتی کنند و از بس اهل صبر و حیا هستند، بی خبران آنها را بی نیاز می پندارند، اما آنها را از چهره هایشان می شناسی (که صورت خود را با سیلی سرخ نگه می دارند) و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی خواهند. (۱۹۵)

بر همین مبنا در رساله مراجع تقلید نی خوانیم : مستحب است در پرداخت زکات ، کسانی را که اهل سؤ ال نیستند، بر اهل سؤ ال مقدم بدارید.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: به فقرایی که در جامعه عزیزبر و دارای منش و جلوه ای هستند، گاو و گوسفند و شتر را (به قصد زکات) هدیه کنید، اما به فقرای معمولی درهم و دینار را به عنوان زکات بدهید.

از حضرتش پرسیدند: دلیل این تفاوت چیست ؟ فرمود: در جامعه فقرایی هستند که زندگی زیبایی داشته اند و از گرفتن صدقه خجالت می کشند. بنابراین باید در پرداخت ، به زیباترین نوع با آنان برخورد شود. يدفع الیهم اجمل الامرین عند الناس (۱۹۶) نکته مهم و قابل توجه اینجاست : که امام با این که فرمود برای افراد با شخصیت گاو و شتر بفرستید، لکن در پایان حدیث ، زیبایی کار را به مردم واگذار کرد. اجمل الامرین عند الناس زیرا ممکن است در شرایطی و در مناطقی هدیه کردن گاو و گوسفند سبک و اهدای طلا و نقره سنگین تر باشد.

بنابراین ملاک در پرداخت زکات ، آن است که ما حالات و شرایط گیرنده را با شرایط حاکم بر جامعه و افکار عمومی در نظر بگیریم و هر کدام زیباتر است ، همان را هدیه کنیم . (۱۹۷)

۵ - کسانی که نیاز بیشتری دارند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عطا‌های خود را بر اساس نیاز افراد در نظر می گرفتند. (۱۹۸)

۶ - ثروتمندان دیروز

کسانی که در گذشت خود اهل بذل و بخشش و پرداخت زکات بوده اند، ولی امروز محتاج به گرفتن زکات هستند، سزاوار است در اولویت زکات قرار گیرند. (۱۹۹)

۶ - اهل منطقه

در روایات می خوانیم: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زکات بادیه نشینان را به بادیه نشینان و زکات شهر نشینان را بین شهر نشینان تقسیم می فرمود. (۲۰۰)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: نه، صدقه مهاجرین برای اعراب حلال است و نه صدقه اعراب برای مهاجرین. (۲۰۱) البته این در صورتی است که در منطقه فقیر وجود داشته باشد، اما اگر در منطقه ای نیازمند نبود، انتقال زکات به غیر بلامانع است. (۲۰۲)

شیوه پرداخت

آیا بهتر است زکات را مردم با دست خود و مستقیماً به فقرا بدهند یا از طریق حکومت اسلامی و حاکم پرداخت شود؟

شاید از آیات و روایات بتوان استفاده کرد که اصل و قانون آن است که زکات از طریق حاکم اسلامی جمع آوری و حفظ و تقسیم شود زیرا:

۱- خداوند پیامبرش را مامور گرفتن زکات می کند، خذ من اموالهم صدقة (۲۰۳) اگر گرفتن رسول خدا واجب است، پس پرداختن مردم به پیامبر عزیزش نیز واجب می باشد.

در حدیثی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: من مامورم که از اغنیا زکات بگیرم و به فقرا بدهم (۲۰۴) پس از پیامبر اسلام، امامان معصوم (ع) مسئول این کارند.

شخصی می گوید از امام رضا (علیه السلام) پرسیدم که زکات فطره برای کیست؟ فرمود: برای امام است، گفتم این خبر را نقل کنم؟ فرمود: بله (۲۰۵)

۲- پیامبر اسلام برای زکات ، کارگزاری تعیین کرده بود که در قرآن از آنان به نام عاملین یاد شده است ، این افراد از طرف حضرت مسئول جمع آوری زکات بودند. (۲۰۶) از جمله :

شخصی به نام رافع را به سوی قبیله ی جهینه بسر را به سوی قبیله بنی کعب

ولید بن عقبه را به سوی قبیله بنی المصطلق و مردی از بنی سعد را به سوی قبیله بنی سعد فرستاد. (۲۰۷)

۳- حضرا علی (علیه السلام) افرادی را به عنوان عاملین زکات می فرستاد و در نهج البلاغه حدود ۲۰ دستور برای برخورد آنان با مردم بیان شده است . (۲۰۸)

۴- در قرآن می خوانیم : بعضی از منافقان به نحوه تقسیم زکات به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعتراض می کردند و نیش می زدند، اگر جمع آوری و تقسیم زکات مربوط به پیامبر نبود، دلیلی برای تحمل این همه نیش نبود. بگذریم که قرآن می فرماید:

انتقاد و سرزنش این منافقان برخاسته از عقده و منافع شخصی آنهاست و هر گاه کمی از زکات به آنها داده شود، دیگر انتقاد نمی کنند. (۲۰۹)

۵- در قرآن کریم سهمی از زکات برای جذب دلها اختصاص داده شده است (مولفة قلوبهم)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای جذب روسای قبائل چیزهایی به آنها می داد و شکی نیست که رئیس قبیله جذب افراد عادی نمی شود، ولی جذب رئیس حکومت می شود. پس باید زکات نزد حاکم اسلامی جمع آوری و با نظرات او تقسیم شود تا بتوان افرادی را به اسلام جذب نمود.

۶- در روایات برای حاکم اسلامی وظایفی تعیین شده است ، از جمله اینکه بدهی بدهکارانی را بپردازد. (۲۱۰)

و در بعضی روایات می خوانیم که حاکم باید بخشش هایی داشته باشد. (۲۱۱)

بنابراین مکتبی که برای امام و حاکم اسلامی هزینه تعیین می کند باید منبع درآمد هم معین نماید. پس زکات باید در دست حاکم اسلامی باشد.

۷- در روایات می خوانیم : پنهان کردن زکات از امام ، نشانه نفاق است . (۲۱۲)

اگر پنهان کردن زکات نشانه نفاق است ، پس باید زکات ها به طور روشن نزد امام المسلمین جمع آوری و توسط او تقسیم شود.

۸- در صدر اسلام افرادی کارشناس و متخصص در تخمین مبلغ زکات بودند و از طرف رسول خدا و حضرت علی (علیه السلام) به مناطق اعزام می شدند. آری اگر پرداخت زکات از وظائف فردی باشد و از وظائف رسمی نظام اسلامی نباشد، نیازی به فرستادن گروه تخمین و ارزیابی از طرف حکومت نبود.

۹- حضرت علی (علیه السلام) به مخنف بن قیس که مسئول زکات بود، فرمود: هر کس از پیروان ما از مردم جزیره و کوفه و شام پرداخت کرده است، درست نیست زیرا نیروی سواره و پیاده ما از او حمایت می کرده است و سزاوار نیست که افرادی در مناطق از خدمات ما بهره مند شوند، ولی زکات اموالشان را به دشمنان ما بدهند. (۲۱۳)

از این حدیث معلوم می شود که زکات بورجه حکومت است و باید به حاکم داده شود تا امنیت منطقه را با تدبیر و استفاده از قوای مسلح بوجود آورد.

۱۰- حضرت علی (علیه السلام) در نامه های ۲۵، ۲۶، ۵۱ و ۶۷ به مسئول زکات سفارشات می کنند که نشان می دهد باید اختیار زکات به دست حاکم اسلامی باشد، نمونه آن عبارتند از این که می فرماید:

مال زکات را باید به حاکم اسلامی برسانند تا او تقسیم نماید.

مال زکات را فوری نزد ما آورید، تا بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبرش تقسیم کنیم.

حضرت علی (علیه السلام) به مامور خود می گوید: سپس به مردم بگو! ای بندگان خدا، ولی خدا مرا نزد شما فرستاده است تا حق خدا را که در اموال شماست بگیرم، پس آیا برای خداوند در اموال شما حقی هست تا آن را به ولی خدا برسانم یا نه؟ (۲۱۴) و به همین دلیل ابوبکر با گروهی که زکات نمی دادند برخورد نظامی و لشکر کشی کرد و در تاریخ نام آن گروه به نام اصحاب رده معروف شده است.

۱۱- دلیل پرداخت زکات حل مشکلات فقر است و اگر قدرت حکومت نباشد، بسیاری از مردم زکات نمی دهند و فقرا در فقر می سوزند. بنابراین باید حاکم اسلامی در مسئله زکات نقش فعال و قهار داشته باشد.

۱۲- اگر هر کس با دست خود زکات مال خود را به افراد مستحق بدهد و نظارت حاکم اسلامی در کار نباشد، افراد زیادی سوء استفاده و از چند نفر زکات می گیرند.

۱۳- در تامین زندگی فقرا از طریق حاکم اسلامی، ذلت و خواری و تحقیری نیست. ولی اگر فقیر مستقیم از دست افراد کمک بگیرد، احساس حقارت می کند. بنابراین برای حفظ کرامت و آبرو و شخصیت فقرا باید زکات نزد حاکم عادل اسلامی جمع آوری و تقسیم شود.

۱۴- امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می نویسند: بهتر است که زکات را در زمان غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) به فقیه و حاکم اسلامی بدهند، به ویژه اگر دستور بدهد. زیرا او به جایگاه و محل مصرف آن آگاه تر است و اگر فقیه و حاکم اسلامی بنابر مصلحت اسلام یا مسلمانان حکم کند که مردم زکات مال خود را به او بپردازند، پیروی از وی هر چند که از او تقلید نکنند، واجب است. (۲۱۵)

سوال : با توجه به این همه قوانین و دلائل ، پس چرا گروهی از بزرگان فقها بر این عقیده اند که مردم خودشان زکات مالشان را بپردازند؟

پاسخ : شاید دلیل این بزرگان حدیثی باشد که می فرماید: زکات را از مال خود خارج کن و هر گونه مصلحت می دانی خرج کن . (۲۱۶)

البته ممکن است که این روایات در زمان تقیه صادر شده باشد که دست امامان معصوم علیهم السلام در آن هنگام بسته بوده است و قدرتی برای جمع آوری زکات نداشتند و اگر اموالی را جمع آوری و تقسیم می کردند، کینه و حسادت حاکمان ستمگر را بر می انگیزتند و برای طرفداران وفاداری که برای رساندن زکات به آن بزرگواران مراجعت می کردند، ایجاد زحمت می کردند. به همین دلیل امامان معصوم برای حفظ جان طرفداران خود، دستور دادند که نزد من نامی از زکات نبرید و (بدون سر و صدا) هر کس به شما زکات داد، بگیرد و هر کس نداد کاری به او نداشته باشید. من با هر چیز که سبب شهرتم شود مخالفم . (۲۱۷)

نا گفته پیداست که اکثر مراجع تقلید (حفظهم الله) به پرداخت کنندگان اجازه پرداخت زکات را می دهند.

شیوه گرفتن

حضرت علی (علیه السلام) در نامه بیست و پنجم نهج البلاغه دستوراتی به دست اندرکاران دریافت زکات می دهد که چون آن دستورات امروز برای همه کسانی که از طرف دولت اسلامی برای انجام ماموریتی به سراغ مردم می روند است ، آن نامه را نقل و ترجمه می کنم :

۱- انگیزه تو برای گرفتن زکات ، تقوای خداوند یکتا باشد (نه ریاست ، نه امرار معاش و...) انطلق علی تقوی الله وحده

۲- هیچ مسلمانی را مترسان (فکر نکن که چون مامور حکومت هستی باید مردم از تو حساب ببرند و تو متکبرانه و با ژست بر آنان وارد شوی). لا ترو عن مسلما

۳- در صورت کراهت مردم ، حق نداری وارد زمین و مزرعه و باغ آنان شوی : لا تجتازن علیه کارها.

۴- بیش از حق خدا (زکات) نگیر: لا تاخذن منه اکثر من حق الله .

۵- هر گاه بر قبیله ای وارد شدی ، به منزل مردم نرو بلکه کنار چشمه و چاه و قنات آبی فرود آی . انزل علی ماهم من غیر ان تخالط البیاهم . (مهمان شدن کارمندان آفاقی دارد، از جمله ممکن است به خاطر پذیرایی ، قلب کارمند جذب صاحبخانه شود و در گرفتن حق خدا از او سهل انگاری کند و ممکن است مردم میزبان را واسطه قرار دهند تا مامور کمتر بگیرد، یا ممکن است میزبان در قبیله خود افتخار و از میزبانی خود سوء استفاده کند.)

۶- با آرامش و وقار بر مردم وارد شو. (بوق و کاروان و اسکورت و هیئت همراه لازم نیست) ثم امض الیهم بالسکینه والوقار.

۷- تو بر مردم وارد شو و بر آنان سلام کن ، (نه انتظار سلام از مردم داشته باش و نه انتظار اینکه مردم گرد تو جمع شوند) تقوم بینهم فتسلم علیهم .

۸- از احترام به مردم فروگذار مکن . و لا تخرج بالتحیه حرکت به سوی مردم و گفتگو با مردم همراه با تانی باشد (نه دست پاچگی) ثم امض الیهم بالكسینة ثم تقول (۲۱۸)

۹- در گرفتن زکات ، خدا محوری را فراموش مکن و به مردم بگو: شما بنده خدا هستید (عباد الله) و من فرستاده و مامور خدا هستم (ارسلنی الیکم ولی الله) و سهمی که می دهید حق خداست (لا خذ منکم حق الله)

۱۰- در گرفتن زکات از مردم پیش داوری نکن ، بلکه از خود مردم سوال کن که آیا در مال شما حق الهی هست یا نه ؟ اگر هست ، حق خدا را به ولی خدا بدهید فهل لله فی اموالکم من حق فتودوه الی ولیه

۱۱- به مردم اعتماد کن و اگر کسی گفت حق الهی در مال من نیست ، گفتارش را بپذیر و دوباره به او مراجعه نکن . (فان قال لا فلا تراجع) .

۱۲- چون کسی که زکات می دهد به تو لطف می کند (فان انعم لک منع) همراه او حرکت کن (فانطلق معه) و در مسیر راه او را مترسان ، تهدید مکن ، سخت نگیر ***من غیر ان تخیفه او توعده او تعسف او ترهقه

۱۳- هر چه از طلا و نقره داد بگیر و چانه زن . (فخذ ما اعطاک) اگر شتر و گوسفند دارد چون سهم او بیش از سهم زکات است ، بدون اجازه او وارد بر آنها مشوفان کان له ماشیه او ابل فلاتد خلها الا بآذنه فان اکثرها له

۱۴- همین که وارد شدی و گاوها و گوسفندها و شتران را دیدی ، قیافه نگیر و سخت گیری نکن و صاحبش را مرنجان . *** لا تدخل علیها دخول متسلط علیه ... ولا تسوان صاحبها

۱۵- حیوانات را رم نده و آرامش آنها را نگیر لا تنفرون تهمیمه و لا تفزعنها.

۱۶- در تمام مراحل حال مردم را مراعات کن . گله و دام را دو بخش کن . هر بخش را صاحبش اراده کرد، بر دارد و شما بخش دیگر را انتخات کن . بار دوم بخشی که سهم تو است به دو قسمت تقسیم کن ، باز هم هر قسمت را که او خواست بردارد آزاد است و این بخش کردن را آنقدر تکرار کن تا سهم زکات در آخرین تقسیم تو روشن شود.

۱۷- پشیمانی مردم را در انتخاب بخشی که برداشته است ، بپذیر. فان استقالک فاقله

۱۸- حیوان پیر و از کار افتاده ، دست و پا شکسته و عیب دار را مگیر (۲۱۹) لا تاخذن عودا و لا هرمة و لا مسکورة و لا مهلوسة و لا ذات عوار (۲۲۰)

۱۹- سهم خدا را به کسی بسپار که به دین و دلسوزی او نسبت به مال مسلمین اطمینان داشته باشی . *** و لا تامنن علیها الا من تتق بدینه رافقا بمال المسلمین

۲۰- سهمی که جمع آوری شده باید بدست ولی مسلمین برسد و او آن را میان فقرا تقسیم کند و کسی که حیوانات زکاتی نزد ما می آورد، باید شخصی مهربان و درستکار باشد، درشتی نکند، آنها را به سختی نراند، خسته نکند *** لا توکل بها الا ناصحا شفیقا امینا حفیظا غیر معنف و لا مجحف و لا ملعب و لا متعب

۲۱- شتری که به عنوان زکات گرفته می شود از بچه اش جدا نشود. (لا یحول بین ناقة و بین فسیلها)

۲۲- تمام شیر آن را ندوشد و مقداری از شیر برای بچه اش در پستان باقی بگذارد. (و لا یمصر لبنها فیضر ذلک بولدها)

۲۳- با سوار شدن بر حیواناتی که به عنوان زکات گرفته شده اند، آنها را خسته نکند. (لا یجهدنها رکوبا)

۲۴- در دوشیدن شیر و سوار شدن عدالت را میان شتران مراعات کند، (مبادا یک شتر را یک ساعت سوار شود و یک شتر را دو ساعت) (و لیعدل بین صواحباتها)

۲۵- اگر حیوانی در مسیر راه خسته شد، باید به او استراحت دهد (و لیرفه علی الاغب)، حیوانی را که پایش سائیده شده (نقب) و حیوانی که به خاطر درد لنگان و کج می رود (ظالع) با آرامش براند (و لیستان بالنقب و الظالع)، در مسیری که حیوانات زکاتی را می برد اگر به محل های آب رسید، آنها را وارد کند (ولیوردها ما تمر من الغدر)، مسیر حیوانات را از جاده های سر سبز به مناطق بی گیاه تبدیل نکند و لا یعدل بها عن نبت الارض الی جواد الطریق)، (جواد منطقه بی علف است)، به حیوانی که خسته شد استراحت دهد (ولیمهلها عند النطاف و الاعشاب). همه این دستورات برای آن است که حیواناتی که سهم فقرا است فربه و پر مغز (۲۲۱) نزد ما جمع شود و ما آنها را طبق کتاب خدا و سنت پیامبر تقسیم (صلی الله علیه و آله) کنیم، البته مراعات این دستورات در ماموریتی که داری پاداش تو را بزرگتر و رشد معنوی تو را ان شاء الله بیشتر می نماید.

در این چند سطر نهج البلاغه، آوردن این همه دستور برای انجام یک ماموریت نشان دهنده جامعیت و دقت و لطافت اسلام است. راستی اگر همین یک نامه را برای اهل توحید بخوانیم، خدا محوری آن همه را جذب می کند. اگر برای حقوقدانان و کسانی که دم از بشر دوستی می زنند بخوانیم، همه باید در برابر این نامه سجده کنند. اگر برای نویسندگان حقوق حیوانات بخوانیم، از ادعاهای خود دست بر می دارند. زیرا در این نامه، هم خداوند محور همه چیز است و هم به مردم در عالی ترین سطح احترام گذاشته شده است و هم حق حیوانات مراعات شده و هم ...

اما محوریت خدا در کلماتی از قبیل: تقوی الله، عباد الله، ولی الله، حق الله، کتاب الله، سنة رسول الله، امر الله،

ان شاء الله به چشم می خورد.

اما احترام مردم در این نامه در جملاتی از قبیل :

۱- امنیت مردم در جامعه (لا تروعن مسلما)

۲- امنیت مردم در مسکن و باغ و مزرعه (من غیر ان تخالط اییاتهم)

۳- رفتن میان مردم (تقوم بینهم)

۴- سلام بر مردم (فتسلم علیهم)

۵- سوال از مردم (فهل لله فی اموالکم)

۶- اعتماد به مردم (فان قال لا فلا تراجع)

۷- نرمی با مردم (من غیر ان تخیفه ، توعده ، تعسفه ، ترهقه)

۸- آزار ندادن مردم (لا تسون صاحبها)

۹- آزاد دادن به مردم (ثم خیره)

۱۰- عذر پذیری مردم (فان استقالک فاقله)

۱۱- اجازه گرفتن از مردم (لا تدخلها الیاذنه)

به چشم می خورد. در این نامه مراعات حقوق حیوانات در عالی ترین سطح مطرح است، مثلاً حیوان را نترسان، تمام شیرش را مدوش، آن را از فرزندش جدا مکن، خسته مکن، به خسته ها رفاه بده، در جاده خشکیده حرکت مده، در بهره گیری عدالت داشته باش و امثال آن ...

بعد از نگاهی گذرا که به نامه ۲۵ نهج البلاغه حضرت علی (علیه السلام) به کارگزاران و دست اندرکاران حکومت برای گرفتن زکات داشتیم، به چند حدیث دیگر نیز توجه کنیم:

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که فرمود: در گرفتن زکات خشونت، قهر، کتک، سخت گیری، تحمیل بیش از طاقت ممنوع است (۲۲۲)

و در حدیث دیگر از اینکه مردم را وادار به سوگند کنیم که زکات داده اند، نهی فرمود. (۲۲۳) اگر برخورد ما اسلامی باشد (و همان گونه که در نامه ۲۵ گذشت) مردم بدانند که حاکم اسلامی به خاطر وظیفه الهی به سراغ مردم رفته یا افرادی را برای گرفتن زکات اعزام می کند، انگیزه تقوی و سیر کردن فقراست، داه و روش کتاب خدا و سنت پیامبر است، تمام مردم (جز افراد لجوج و مریض) با آغوش باز اسلام را خواهند پذیرفت.

اگر مردم از نحوه جمع آوری و تقسیم آگاه باشند، به پرداخت زکات گرایش بیشتری خواهند داشت. در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زکات در مسجد جمع آوری می شد و همین که محل جمع آوری پر می گشت، شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آنها را تقسیم می فرمود. (۲۲۴)

اگر در شیوه گرفتن زکات به قرآن عمل شود که گیرنده زکات که پیامبر اکرم است، بر پرداخت کننده صلوات و درود می فرستاد (۲۲۵) و صلوات او برای آنان آرام بخش بود و سنگینی گذشت از مال را از دوش آنان بر طرف می کرد و مردم با طیب خاطر زکات خود را خواهند پرداخت.

در حدیث می خوانیم: اول کسی که زکات خود را نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آورد شخصی به نام ابواوفی بود. حضرت زکات او را گرفت و فرمود: اللهم صل علی ابی اوفی و آل ابی اوفی (۲۲۶) خداوند بر ابی اوفی و خاندان او درود بفرستد.

اگر هنگام گرفتن زکات، دهنده آنرا آزاد بگذاریم که اگر خواست جنس بدهد و اگر آن را خریداری کند و قیمت آن را پرداخت نماید، این آزادی نیز نوعی تشویق عملی است. (۲۲۷)

توافق عادلانه

یکی از مسائلی که پرداخت زکات را برای مردم آسان تر می کند، توافق کردن گیرنده با پرداخت کننده است. در حدیث می خوانیم: اگر گیرنده زکات آن حیوانی را که مشمول زکات است نیافت، می تواند با دهنده زکات توافقی عادلانه داشته باشد، یا شتر بزرگتری بردارد و ارزش اضافه آن را به صاحبش بپردازد و یا حیوان کوچکتری بردارد و صاحبش مبلغی که ما به التفاوت است همراه شتر به گیرنده زکات رد کند. (۲۲۸)

تسهیلات در زکات گیری

برای تشویق مردم باید ما به سراغ آنان برویم، مثلاً وسیله حمل و نقل گندم و جو و... را به سرزمین ببریم، زیرا تهیه وسیله و حمل محصول برای دولت آسان و برای مردم مشکل است.

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: آیا ما مردم را جمع کنیم و زکات مالشان را بگیریم یا اینکه ما به سراغ مردم برویم؟ فرمود: شما به سراغ چشمه های آب آنان بروید (۲۲۹)

به چه کسانی زکات ندهیم؟

قرآن برای مصرف زکات هشت مورد را تعیین فرموده است و در این بحث با توجه به روایات، کسانی که حق گرفتن زکات ندارد، معین شده اند. از جمله:

۱- کسانی که می توانند بدون مشقت حرفه ای بیاموزند و از طریق آن امرار معاش کنند، لازم است آن حرفه را فرا گیرند. (۲۳۰)

امام باقر (علیه السلام) فرمود: افراد تندرست و قوی، نباید زکات بگیرند و نباید به آنها زکات داد. (۲۳۱)

آری، در جامعه افرادی با این که قدرت بر کارکردن دارند، به خاطر تن پروری خود را مشمول زکات می پندارند.

۲- به کسی که شارب خمر است، زکات ندهید. (۲۳۲)

۳- به کسانی که سر سخرانه و با علم و آگاهی با مسلمین عناد می ورزند و نسبت به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) کینه و لجابت دارند، زکات ندهید. (۲۳۳)

۴- در روایت می خوانیم: به افراد ناصبی نیز زکات ندهید، مگر آن که از زبان او بترسید و از طریق زکات بتوانید دین و آبروی خود را حفظ کنید. (۲۳۴)

در روایات کمک به نا اهلانی که از طریق شعر و تهمت و امثال آن آبروی دیگران را مخدوش می کنند، نیز سفارش شده است. (۲۳۵)

۵- امام رضا (علیه السلام) فرمود: به کسانی که انحراف آنان نسبت به اهل بیت روشن و شناخته شده است، زکات ندهید. (۲۳۶)

۶- به کسانی که واجب النفقه هستند، زکات نمی رسد. (۲۳۷)

۷- به افراد غنی، زکات پرداخت نمی شود. (۲۳۸)

۸- به صاحبان حرفه زکات نمی رسد. (۲۳۹)

۹- به کسانی که انحرافات عقیده دارند، مثلاً برای خداوند جسم پذیرفته اند، یا مردم را در اعمال خود مجبور می پندارند و یا واقفیه و هفت امامی هستند، زکات پرداخت نمی شود. (۲۴۰)

البته پرداخت کمی از زکات به گروهی که در راه حق نیستند ولی با حق هم لجاجت ندارند، بلامانع است. (۲۴۱)

تفاوت خمس و زکات با مالیات

بعضی می پرسند ما که مالیات به دولت اسلامی می دهیم، پرداخت خمس و زکات برای چیست؟

ما در اینجا به بعضی تفاوت ها فهرست وار اشاره می کنیم:

۱- برآورد خمس و زکات و تخمین حساب و کتاب آن بر اساس اعتمادی است که به خود پرداخت کننده می شود و هیچ نیازی به بازرسی و نظارت دیگری نیست. در حالی که مالیات مبلغی است که دولت تعیین و محاسبه و دریافت می کند.

۲- گیرندگان زکات، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و جانشینان آن بزرگوار و کسانی هستند که از طرف حضرت اجازه داشته باشند، ولی در مالیات اینگونه نیست.

۳- خمس و زکات باید بر اساس عقیده و ایمان و با قصد قربت و رضای خداوند متعال پرداخت شود. تا آنجا که اگر مسائل عاطفی، اجتماعی، سیاسی، قبیله ای یا کسب شهرت و عزت در نظر باشد، گویا حق خداوند پرداخت نشده است ولی در پرداخت مالیات این ایمان و قصد قربت و اخلاص لازم نیست.

۴- خمس و زکات از افرادی گرفته می شود که توان مالی دارند، ولی مالیات این گونه نیست و گاهی بر پارچه و کاغذ و ماشین و سیگار مالیات بسته می شود، خواه مصرف کنندگان فقیر باشند یا غنی.

۵- خمس و زکات را مردم با اراده و اختیار به کسانی می دهند که محبوب آنها هستند، ولی در مالیات نه دهنده اختیاری دارد و نه گیرنده آن محبوبیت و قداستی.

۶- مالیات نوعا برای هزینه های شخصی زندگی خود ماست ولی خمس و زکات برای کمک به دیگران است . توضیح اینکه همان گونه که انسان داخل منزل را موزائیک می کند، مبلغی به عنوان مالیات می پردازد که بیرون خانه او آسفالت شود و همان گونه که درهای داخل منزل را قفل می زند، مبلغی مالیات می دهد که پلیس بیرون خانه را محافظت نماید.

برای داخل خانه کپسول آتش نشانی می خرد، مبلغی می دهد تا دولت ماشین آتش نشانی به صورت آماده باش در بیرون او تهیه کند. هزینه ای برای باغچه منزل می دهد و هزینه ای به دولت برای احداث پارک و بوستان می پردازد.

بنابراین انسان دو نوع هزینه دارد: هزینه هایی که مستقیما برای داخل منزل تهیه می کند و هزینه هایی که از طریق دولت برای رفاه و خدمات بیرون منزل به واسطه مالیات دریافت می کند، پس مالیات بخشی از هزینه های شخصی انسان است .

لذا کسانی که خمس می دهند باید مخارج زندگی خود را از درآمد کم کنند و مالیاتی را که می دهند جزء مخارج زندگی آنها حساب می شود. مثلا اگر شخصی در سال دو میلیون تومان درآمد دارد و یک میلیون تومان خرج زندگی اوست و صد هزار تومان مالیات پرداخت می کند، این شخص به هنگام حساب سال باید صد هزار تومان را مثل یک میلیون تومان جزء زندگی خود قرار دهد و نهصد هزار تومان را پس انداز و سود خود حساب کند و خمس همان نهصد هزار تومان را بپردازد.

بنابراین زکات و خمس برای خدمت به دیگران است ، ولی مالیات برای دریافت خدمات دولتی برای خود ماست .

۷- در زمان امامان معصوم حکومت ها از مردم مالیاتهایی به نام خراج و عشریه می گرفتند، ولی باز هم مردم خمس و زکات خود را به امامان عزیز می دادند و آن بزرگواران می گرفتند و نمی فرمودند شما که خراج می دهید، لازم نیست خمس و زکات بدهید.

۸- حاکم اسلامی و فقیه جامع الشرایط می تواند در شرایطی میزان مالیت پرداختی مردم را کم و زیاد نماید و اکنون ولایت فقیه علاوه بر خمس و زکات ، دستور پرداخت مالیات را نیز داده اند.

۹- در تمام کشورهای دنیا علاوه بر مالیات ، صندوق های خیریه و موسسات عام المنفعه ای وجود دارد و تمام خدمات را بر دوش دولت نمی گذارند.

امام مهدی (علیه السلام) و زکات

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) فرهنگ اقتصادی مردم به نحوی است که حرام خواری ارزش و غنیمت، ولی پرداخت زکات خسارت شمرده می شود. (۲۴۲)

در آن زمان کسی را می بینی که ثروت زیادی نزد اوست و از آغاز مالکیت، هرگز زکات نداده است. (۲۴۳)

در آن روزگار که امام مهدی (علیه السلام) ظهور کند، ثروتمندان باید حق خدا را بدهند و اگر ممانعت کنند، گرفتار قهر ولی الله قرار خواهند گرفت. (۲۴۴)

آری روز ظهور روز پایان گرسنگی و فقر است گر چه به بهای محو ثروتمندان بی درد و مرفهان بی تفاوت باشد. در آن روز تبعیض ها از بین خواهد رفت و اموال عمومی به طور مساوی در میان مردم تقسیم خواهد شد و در آن روز کسی را که نیازمند به زکات باشد، مشاهده نخواهی کرد. (۲۴۵)

پاسخ به چند سوال :

۱- آیا زکات باید به هشت قسمت مساوی تقسیم شود؟

در آیه شصت سوره توبه برای زکات هشت مصرف نام برده شده که عبارتند: از فقرا، مساکین، دست اندرکاران دریافت زکات، هزینه جذب دلهای، خریدن و آزاد کردن بردگان، کمک به بدهکاران، هزینه کردن در کارهای خدا پسند و عام المنفعه، کمک به مسافرانی که در راه به مشکلات بر می خورد. در اینجا سوالی مطرح است و آن اینکه آیا باید زکات در این موارد یکسان هزینه شود؟

پاسخ را از امام صادق (علیه السلام) می شنویم: امام از شخصی به نام عمرو بن عبید می پرسد: زکات مال خود را چگونه تقسیم می کنی؟ گفت به هشت جزء مساوی. امام فرمود: ممکن است تعدد یک صنف (مثلا فقرا) ده هزار نفر، ولی تعداد صنف دیگر چند نفری بیشتر نباشد. گفت: بله، ولی تقسیم من یکسان است. امام فرمود: این عمل تو خلاف راه و روش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. پیامبر عزیز اسلام در تقسیم زکات، مصلحت اندیشی می فرمودند. (۲۴۶)

آری، زکات از بودجه های حکومت است و باید دست حاکم اسلامی در نحوه مصرف آن باز باشد.

چه مالی زکات دارد؟

تقریباً تمام فقها در رساله های خود فرموده اند که زکات مربوط به نه چیز است. همان چیزهایی که مورد تولید و مصرف عموم مردم آن زمان بوده است. (گندم و جو، خرما، کشمش، گوسفند، گاو، شتر، طلا و نقره مسکوک) البته برای این نه چیز شرایطی است که فقهای بزرگوار در رساله های خود آورده اند. و آن شرایط عبارتند از:

۱- شرایطی برای پرداخت کننده.

۲- شرایطی برای گیرنده.

۳- شرایطی برای آن مالی که مورد زکات است. از نظر وزن، قیمت و سکه طلا و نقره رایج باشد.

۴- تغییراتی که در گندم و جو و... می باشد که اگر از چاه آبیاری شد مقدار کمتری زکات می پردازد، ولی اگر از طریق دیم بدست آمد زکات بیشتری دارد، یا گاو و گوسفندی زکات دارد که در چراگاه بچرد و صابش برای تامین علوفه آنها هزینه ای نپردازد. به هر حال شرایط آن در رساله های عملیه مطرح شده است و ما وارد آن میدان نمی شویم و هر کس باید به مرجع تقلید خود مراجعه و به فتوای او عمل کند تا در قیامت بر او و خدا حجت باشد.

در کنار نظریه اکثریت

در کنار نظریه قرین بخ تنفقت مراجع تقلید، بعضی از علما و دانشمندان نظر دیگری دارند که به آن اشاره می کنیم. این افراد میگویند: دلیل وجوب زکات فقر زدایی است و تا فقر هست باید زکات را از اجناس دیگر نیز بگیریم تا فقر به کلی ریشه کن شود و در پرداخت زکات، تفاوتی میان گندم و جو و سایر اجناس نیست، بلکه آنچه مهم است، ریشه کنی فقر است.

این افراد شواهدی نیز برای سخن خود می آورند از جمله در روایات می خوانیم: اگر مشکل فقرا حل نمی شد، خداوند در مال اغنیا سهم بیشتری برای فقرا قرار می داد، پس محور زکات حل مشکل فقرا است و چون با پرداخت زکات نه چیز این مشکل حل نمی شود، باید از اجناس دیگر نیز زکات گرفته شود.

در روایات میخوانیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زکات را از غیر این نه چیز عفو فرمود. کلمه عفو نشان می دهد که دامنه زکات در ابتدا گسترده بوده است، ولی در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چون با پرداخت زکات نه چیز مشکل فقرا حل می شد، حضرت زکات باقی اجناس را عفو کردند و این عفو حکومتی، تنها برای زمان خاصی است و لذا بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

حضرت علی (علیه السلام) برای اسب ها زکات تعیین کرد. بنابراین دست حاکم اسلامی برای کم و زیاد کردن اقسام مشمول زکات باز است و هر گاه تعداد فقرا زیاد شد، حاکم اسلامی می تواند بر چیزی زکات قرار دهد و اگر مشکل فقرا حل شد، می تواند زکات جنسی را عفو کند.

ما به همین مقدار اشاره اکتفا و دامنه این بحث را جمع می کنیم و بررسی آن را به حوزه های علمیه واگذار می کنیم و همین قدر می گوئیم که :

اولا: حل مشکل فقر، تنها از راه گرفتن زکات نیست ، بلکه راههای دیگری نظیر خمس ، انفاقات ، کفارات ، قرض الحسنه ، ایجاد شرکت های تعاونی ، اشتغال ، مضاربه و امثال آن نیز هست .

ثانیا: باید فرهنگ ساده زیستی و زهد و قناعت و صرفه جویی و مصرف صحیح در مردم زنده شود تا میلیون ها نفر به خیال فقر ناله نزنند و توقع نداشته باشند که از کار کم ، نان زیاد بخورند.

سوال : آیا مصرف زکات تنها در هشت مورد ذکر شده است ؟

در آیه ۵۸ سوره توبه ، منافقان پیامبر عزیز را در مورد نحوه مصرف زکات سرزنش می کردند و می گفتند که چرا زکات جمع آوری شده را فقط در موارد خاص مصرف می کند. خداوند می فرماید: انتقاد و کنایه زدن آنان بر اساس منافع شخصی است ، اگر مقداری از زکات به آنان داده شود راضی می گردند و اگر داده نشود، عصبانی می شوند. (۲۴۷)

و در آیه بعد می فرماید: اگر این منافقان (به جای انتقاد و انتقام)، به آنچه خدا و رسول به آنان عطا کرده بود، راضی بودند و می گفتند خداوند ما را کفایت می کند، و در آینده خدا و رسول از فضلش به ما لطف خواهند کرد، برایشان بهتر بود.

سپس در آیه ۶۰ همین سوره با صراحت و قاطعیت مصرف زکات را در هشت مورد منحصر کرده است که ما این آیه را به صورت یک تقسیم ریاضی ترسیم می کنیم که جمله صدقات ، مقسوم و هشت مورد مصرف ، مقسوم علیه باشد و اینک ما باید شاهد خارج قسمت باشیم که جمع خارج قسمت چهره نظام اسلامی است .

یک بار دیگر با دقت به این تقسیم نگاه کنیم ، اگر نظام اسلامی مقداری از اموال اغنیا و پر در آمدها را بگیرد و در مصارف هشت گانه ای که ذکر شده است مصرف کند، جامعه اسلامی به جامعه ای تبدیل می شود که در آن زندگی فقرا تامین می شود، کارگزاران را تشویق می کند، دلها را جذب و نیروهای اسیر را آزاد می کند، مهره های فلج و ورشکسته را به حرکت در می آورد، انواع کارهای خدا پسندانه را ترویج می کند و گرفتاران و در راه ماندگان را نجات می دهد.

سپس در جمله پایانی آیه به دو نکته مهم اشاره می شود: یکی این که تقسیم زکات بر هشت گروه از طرف خداوند واجب شده است : (فریضة من الله) و در چیزی که واجب شود، جایی برای چانه زدن نیست .

دوم اینکه سرچشمه این قانون و این نحوه تقسیم ، علم و حکمت الهی است : (و الله علیم حکیم).

آری ، اگر مبنای قانون ، اطلاعات محدود بشری ، خواسته ها، یافته ها، عادات ، و رسوم ، شرایط سیاسی و اجتماعی ، قبیله ای و قومی باشد، جای تردید و اظهار هست که چرا زکات در هشت مورد مصرف شود ولی قانونی که برخاسته از علم و حکمت بی نهایت الهی است و مطابق با عقل و فطرت و نیازهای واقعی بشر در تمام عصرها و نسل هاست ، باید با عشق پذیرفته شود و همان گونه که در انجام دستورات پزشک متخصص چون و چرا نمی کنیم ، باید در انجام فرامین الهی نیز تسلیم باشیم .

سوال

ممکن است گفته شود نیازهای افراد یا جوامع در شرایط مختلف تفاوت دارد، آیا بهتر نبود مصرف زکات را خود انسان تعیین کند؟

پاسخ

در آیه ای که موارد هشت گانه مصرف زکات مطرح شده است ، عبارت فی سبیل الله بکار رفته است که معنای آن این است که زکات را می توان در راه خدا مصرف کرد و این راه خدا در هر زمان می تواند مصداق و جلوه ای داشته باشد. گاهی مصداق راه خدا تامین امکانات ازدواج برای افراد بی همسر است و گاهی هم فراهم کردن زمینه برای تحصیل و... بنابراین تامین نیازهای واقعی فرد و جامعه از هر نوع که باشد، مصداق فی سبیل الله به حساب می آید.

گسترده گی زکات

در اسلام زکات دارای معنای گسترده ای است و برای هر چیز زکاتی تبیین شده است ، مثلا:

زکات داشتن آبرو، حل مشکلات مردم است و حضرت علی (علیه السلام) فرمود: همان گونه که ادای زکات مال واجب است ، ادای زکات آبرو نیز واجب است .

عاریه دادن زیور و زینت آلات ، زکات آنهاست . (۲۴۸)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: بر هر عضوی زکاتی واجب است . بلکه بر هر لحظه ای ، پس :

زکات چشم ، نگاه کردن با عبرت و چشم پوشی از گناهان است .

زکات گوش ، شنیدن و گوش دادن به علم و حکمت و قرآن است .

زکات زبان ، نصیحت کردن مسلمین و بیدار کردن غافلین و تسبیح خداست .

زکات دست ، نوشتن علوم و بخشش مال است . زکات پا، تلاش و سعی در راه جهاد، تحصیل ، اصلاح میان مردم ، وعیادت و زیارت خوبان است .

زکات علم ، نشر آن است .

زکات قدرت ، انصاف است .

زکات زیبایی ، عفت است .

زکات پیروزی ، احسان است .

زکات شجاعت ، جهاد است .

زکات سلامتی ، سعی در اطاعت او امر و نواهی الهی است .

زکات حکومت ، کمک رسانی به درماندگان است .

و زکات عقل ، تحمل کردن بی خردان است . (۲۴۹)

پی نوشتها :

- ۱سوره مریم ، آیه ۳۱
- ۲سوره بقره ، آیه ۴۳
- ۳سوره بینه ، آیه ۵۵
- ۴سوره انبیا، آیه ۷۳
- ۵سوره بینه ، آیه ۵
- ۶المیزان ، ج ۹، ص ۴۰۸
- ۷تفسیر نمونه ، ج ۸، ص ۹
- ۸تفسیر نور ذیل آیه ۶۰ سوره توبه
- ۹تفسیر نور، ج ۵، ص ۸۷
- ۱۰تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۳۷
- ۱۱تفسیر نمونه ، ج ۱۴ ص ۱۹۷
- ۱۲تفسیر نمونه ، ج ۸، ص ۹
- ۱۳فقه الزکات ، دکتر یوسف القرضاوی ، ج ۱ ص ۸۶-۸۵.
- ۱۴سوره مریم ، آیه ۱۳
- ۱۵سوره سبا، آیه ۳۹
- ۱۶سوره بقره ، آیه ۲۴۵
- ۱۷نهج البلاغه ، خطبه ۱۸۳
- ۱۸سوره نحل ، آیه ۴۰
- ۱۹سوره نحل ، آیه ۴۰
- ۲۰سوره واقعه ، آیه ۴۰
- ۲۱سوره توبه ، آیه ۱۰۴
- ۲۲انما اوتیته علی علم عندی سوره قصص ، آیه ۷۸

۲۳ فاصحت كالصریم سورة قلم آیه ۲۰

۲۴ ما فرض الله على هذه الامة شيئا اشد عليهم من الزكوة و فيها تهلك عامتهم وافى ، ج ۱۰ ص ۳۳

۲۵ سورة توبه ، آیه ۳۸

۲۶ سورة همزه ، آیات ۲-۳

۲۷ سورة كوثر ، آیات ۱-۲

۲۸ سورة توبه ، آیه ۱۰۳

۲۹ سورة مريم ، آیه ۵۵

۳۰ سورة حج ، آیه ۴۱

۳۱ سورة مدثر ، آیه ۴۴

۳۲ لا تقوم الساعة حتى ... الزكوة مغرما - جامع الاحاديث / ج ۹ / ص ۳۵

۳۳ جامع الاحاديث / ج ۹ / ص ۳۲

۳۴ سورة آل عمران ، آیه ۱۸۰

۳۵ ما عندكم ينفد و ما عند الله باقى

۳۶ جامع الاحاديث ، ج ۹ ، ص ۲۴۳

۳۷ جامع الاحاديث ، ج ۹ ، ص ۳۲۵

۳۸ جامع الاحاديث / ج ۹ / ص ۵۸

۳۹ جامع الاحاديث ، ج ۹ ، ص ۵۸

۴۰ من منع قيراطا من الزكوة فليس بمؤمن و لا مسلم جامع الاحاديث ، ج ۹ ، ص ۵۸

۴۱ مستدرک ، ج ۱ ، ص ۵۰۸

۴۲ جامع الاحاديث ، ج ۹ ، ص ۴۳

۴۳ جامع الاحاديث ، ج ۹ ، ص ۵۷

۴۴ جامع الاحاديث ، ج ۹ ، ص ۴۴

۴۵ بحار ، ج ۹۶ ، ص ۲۹

٤٦ و ويل للمشرکين الذين لا يوتون الزکوة و هم بالآخرة هم کافرون (فصلت ٧)

٤٧ مبسوط شيخ طوسى جلد ١ صفحہ ١٩٠

٤٨ تفسير نمونه ، ج ٨ ، ص ١١

٤٩ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٦٣

٥٠ وافي ، ج ١٠ ، ص ٢٤

٥١ وافي ، ج ١٠ ، ص ٢٤

٥٢ وافي ، ج ١٠ ، ص ٤٠

٥٣ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٣٩

٥٤ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٤٦

٥٥ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٥٣

٥٦ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٤٥

٥٧ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٣٣

٥٨ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٣٢

٥٩ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٣٢

٦٠ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٣٣

٦١ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٣٤

٦٢ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٦٨٤

٦٣ سورة حشر، آيه ٩، و سورة تغابن، آيه ١٦

٦٤ نو الثقلين ، ج ٥ ، ص ٣٤٦

٦٥ من ادى الزکوة ... فقد و قى من الشح جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٤٨

٦٦ الزکوة جعلت مع الصلوة قربانا لاهل الاسلام وسائل ، ج ٦ ، ص ٦

٦٧ الزکوة قنطرة الاسلام امالى طوسى ، ج ٢ ، ص ١٣٦

٦٨ ما من شىء بعد المعرفة و الصلاة يعدل الزکوة فروع كافى ، ج ٤ ، ص ٦٢

٦٩ للعابد ثلاث علامات الصلوة و الصوم و الزکوة بحار، ج ٩٦، ص ٦٢

٧٠ سورة بقره ، آیه ٢٧٦

٧١ جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٥٢ و ٦٩

٧٢ حصنوا اموالکم بالزکوة . جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٤٩

٧٣ جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٥٠

٧٤ جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٦٥

٧٥ جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٣٣

٧٦ و رحمתי و سعت کل شیء فساكتبها للذين يتقون و يؤتون الزکوة ... سورة اعراف ، آیه ١٥٦ و سورة توبه ، آیه ٧١

٧٧ انى معکم لئن اقمتم الصلوة و اتيتم الزکوة و امنتم برسلى سورة مائده ، آیه ١٢

٧٨ وسايل ، ج ٦، ص ١٠

٧٩ سورة مائده ، آیه ١٢

٨٠ سورة توبه ، آیه ٥

٨١ جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٢٣

٨٢ يطلبي الله لکم بقيته جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٥٣

٨٣ زکوا اموالکم تقبل صلاتکم جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٩

٨٤ جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٧٠

٨٥ همان ، ص ٢٧٣

٨٦ كنز العمال ، ج ٦، ص ٩٦

٨٧ جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٤٥

٨٨ جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٣٥

٨٩ سورة بينه ، آیه ٥

٩٠ وافي ، ج ١٠، ص ٥١، و جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٦٥

٩١ وافي ، ج ١٠، ص ١٥٦

٩٢ جامع الاحاديث ، ج ٩ ص ٤٢

٩٣ وافي ، ج ١٠ ، ص ٣٣

٩٤ سورة حج ، آيه ٤١

٩٥ بحار، ج ٩٦ ، ص ٢٩

٩٦ مستدرک ، ج ١ ، ص ٥٠٧

٩٧ سورة حجرات ، آيه ٩

٩٨ سورة توبه ، آيه ١١

٩٩ وافي ، ج ١٠ ، ص ٥١

١٠٠ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٥٦

١٠١ سفينة البحار، ج ٣ ، ص ٤٧٤. فما جاع فقير الا بما منع غنى و الله سبحانه و تعالى سائلهم عن ذلك

١٠٢ وافي ، ج ١٠ ، ص ٥٠

١٠٣ وافي ، ج ١٠ ، ص ٥٠

١٠٤ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٢٨٥

١٠٥ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٢٤

١٠٦ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٢٤

١٠٧ ما ضاع مال في البر و لا البحر الابتضيع الزكوة جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٥٠

١٠٨ حصنوا اموالكم بالزكوة و انا ضامن لكل ما يتوى في بر او بحر بعد اداء حق الله فيه جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٥٠

١٠٩ من منع حقا لله انفق في باطل مثليه وافي ، ج ١٠ ، ص ٤٢. جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٥٨

١١٠ من منع ماله من الاختيار اختيارا صرف الله ماله في الاشرار اضطرارا بحار، ج ٩٦ ، ص ١٣٠

١١١ و اعلم انه من لم ينفق في طاعة الله ابتلى بان ينفق في معصية الله و من لم يمش في حاجة عدو الله وسائل ، ج ٦ ، ص ٢٥

١١٢ لا تزال امتي بخير ما تحابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزكوة فذالم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط و السنين جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٤٨

١١٣ سورة توبه ، آيه ١٨

١١٤ جامع الاحاديث ، ج ٩ ، ص ٥٢

۱۱۵ جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۵۲

۱۱۶ کافی ، ج ۲ ، ص ۳۷۴

۱۱۷ اذا منعت الزکوة ظهرت الحاجة جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۵۸

۱۱۸ اذا منعت الزکوة ساءت حال الفقير جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۴۳

۱۱۹ اذا حسبت الزکوة ماتت المواشى جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۵۳

۱۲۰ جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۵۷

۱۲۱ جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۳۱

۱۲۲ المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض ... يبقضون ايديهم نسوا الله فنسيهم سورة توبه ، آیه ۶۷

۱۲۳ ايها الناس ادوا زكاة اموالكم فمن لا يزكى لا صلوة له و من لا صلوة له لا دين له و من لا دين له لا حج و لا جهاد له جامع الاحادیث ، ج ۹ ص ۳۰

۱۲۴ جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۳۰ و ۳۳

۱۲۵ جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۳۰ و ۳۳

۱۲۶ جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۳۰ و ۳۳

۱۲۷ جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۶۳

۱۲۸ تهذيب ، ج ۱۰ ، ص ۱۵۳ . وسائل ، ج ۲۱ ، ص ۲۶۸

۱۲۹ ما خان الله احد شيئا من زكاة ماله الا مشرك بالله بحار ، ج ۹۶ ، ص ۲۹ ، مستدرک ، ج ۷ ، ص ۲۴

۱۳۰ جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۳۴۷

۱۳۱ جامع الاحادیث ، ج ۹ ، ص ۳۴۷

۱۳۲ سورة توبه ، آیه ۶۰

۱۳۳ الفقير الذي لا يستل و المسكين الذي اجهد منه الذي يستل وافي ، ج ۱۰ ، ص ۱۶۴۰ . شاید دليل آنکه فقير کسی است که سوال نمی کند آیه ۲۷۳ بقره باشد که می فرماید: للفقراء الذين احصروا في سبيل الله . تا آنجا که می فرماید: يحسبهم الجاهل اغنياء من التعفف : فقراهمان کسانی هستند که به خاطر عفت و سوال نکردن از دیگران ، بی خبران آنان را اغنيا می پندارند.

۱۳۴ سورة كهف ، آیه ۷۹

۱۳۵ و لم نک نطعم المسكين سورة مدثر ، آیه ۴۴

١٣٦ و لا تحاضون على طعام المسكين ، سورة فجر، آیه ١٨، سورة الحاقه ، آیه ٣٤ سورة ماعون ، آیه ٣

١٣٧ سورة بلد، آیه ١١

١٣٨ وارزق اهله من الثمرات من آمن منهم سورة بقره ، آیه ١٢٦

١٣٩ و من كفر فامتنعه قليلا همان آیه

١٤٠ وافى ، ج ١٠، ص ١٦٥

١٤١ تحرير الوسيله ، امام خمينى ره

١٤٢ فان ذلك اعظم لا جرك و اقرب لرشدك ينظر الله اليها و اليك و الى جهدك و نصحك لمن بعثك و بعثت مى حاجته فان رسول الله قال : ما ينظر الله الى ولى له يجهد نفسه بالطاعة و النصيحة له و لا مامه الا كان معنا فى الرفيق الا على وافى ، ج ١٠، ص ١٥٦

١٤٣ و هم قوم و جدوا الله و خرجوا من الشرك و لم تدخل معرفة رسول الله (صلى الله عليه وآله) قلوبهم و ما جاء به فتالفهم رسول الله و تالفهم المؤمنون بعد رسول الله لكيما يعرفوا جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٤٢

١٤٤ پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: ايما مؤمن او مسلم مات و ترك ديناً لم يكن فى فساد و لا اسراف فعلى الامام ان يقضه فان لم يقضه فعليه اثم ذلك سپس آیه را تلاوت فرمود جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٥٩

١٤٥ تحرير الوسيله ، امام خمينى (باضافاتى).

١٤٦ نهى ان يخفى المرء زكاته على امامه و قال ان اخفاء ذلك من النفاق بحار، ج ٩٦، ص ٢٧

١٤٧ من اعطى زكاة ماله طيبة بها نفسه اعطاه الله بكل حبة منها قصرا فى الجنة من ذهب ... جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٣٢

١٤٨ فان من اعطاها غير طيب النفس ... مغبون الاجر ضال العمل طويل الندم جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٣٤

١٤٩ سورة توبه ، آیه ١٨

١٥٠ يقبل التوبة على عباده و ياءخذ الصدقات سورة توبه ، آیه ١٠٤

١٥١ جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٣٥١

١٥٢ اعطه و لا تسم له و لا تذلل المؤمن من جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٣٥١

١٥٣ ... اشترى لهم ثيابا و طعاما و ادى ان ذلك خير لهم لا باءس وسائل ، ج ٦، ص ١١٥

١٥٤ لا يعطى احد اقل من خمسة دراهم بحار، ج ٩٦، ص ٧٩

١٥٥ تحرير الوسيله ، ج ١، ص ٣٩١

١٥٦ لا تبطلوا صدقاتكم باليمن و الاذى سورة بقره ، آیه ٢٦٤

۱۵۷ اتی النبی (صلی الله علیه وآله) شیء فقسمه فلم یسمع اهل الصفة فخص بها اناسا منهم فخاف ان یدخل قلوب الاخرین شیء فخرج الیهم و قال معذرة الی الله و الیکم یا اهل الصفة انا او تینا بشیء فاردنا ان نقسمه بینکم فلم یسعکم فخصت به اناسا منکم خشینا جزعهم و هلعمهم جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۳۱۲

۱۵۸ جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۴۹

۱۵۹ جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۱۹۵

۱۶۰ كلما فرض الله علیک فاعلانه افضل من اسراره جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۲۴۰

۱۶۱ اذا ناولتم السائل فلیرد الذی ناواه یدیه الی فیہ فیقبلها فان الله تعالى یأخذ قبل ان تقع فی یدیه . محجة البیضاء ج ۱۲، ص ۹۳

۱۶۲ زکات در اندیشه ها، ص ۲۲

۱۶۳ جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۲۰۰

۱۶۴ جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۸۶

۱۶۵ من ادى الزکوة الی مستحقها و اقام الصلوة علی حدودها و لم یلحق بهما من الموقبات ما یبطلها جاء یوم القيامة یغبطه کل من فی تلك العرصات جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۳۳

۱۶۶ محجة البیضاء، ج ۳، ص ۸۹

۱۶۷ جامع الاحادیث ، جلد ۹، ص ۱۸۴

۱۶۸ جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۱۸۶

۱۶۹ یجعلون لله ما یکرهون سورة نحل ، آیه ۶۲

۱۷۰ محجة البیضاء، ج ۲، ص ۸۹

۱۷۱ انفقوا من طیبات ما کسبتم و مما اخرجنا لکم من الارض و لا تیمموا الخبیث منه سورة بقره ، آیه ۲۶۷

۱۷۲ خرما یی بود که هسته آن بزرگ ولی گوشت آن کم بود.

۱۷۳ جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۱۸۴

۱۷۴ سورة انعام ، آیه ۱۴۱

۱۷۵ جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۱۹۶

۱۷۶ وافى ، ج ۱۰، ص ۱۷۲. قیل امام صادق : جعلت فداک له دار تساوی اربعة الاف درهم وله جاریة و له غلام یتسقى علی الجمل کل یوم ما بین الدرهمین الی الاربعة سوى علف الجمل و له عیال اله ان یأخذ الزکوة ؟

فقال (عليه السلام): نعم . قال السائل و له هذه العروض؟! فقال (عليه السلام): يا ابا محمد فتاءمرنى ان امره ان يبيع داره و هى عزة و مسقط راءسه او يبيع جاريته التى نقيه الحر و البرد و تصون و جهه و وجه عياله او امره ان يبيع غلامه و جمله و هى معشته و قوته ؟ ياءخذ الزكوة فهى له حلال و لا يبيع داره و لا غلامه و لا جمله

۱۷۷ وافى ، ج ۱۰، ص ۱۷۷

۱۷۸ جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۳۰۶

۱۷۹ انما هى (زکات) لا قوام ليس لهم فى الامارة نصيب و ال فى العمارة حظ و لا فى التجارة مال و لا فى الاجارة معرفة و قدرة ففرض الله فى اموال الاغنياء ما يقوتهم و يقوم باودهم جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۲۳۶

۱۸۰ عن الرجل يكون ابوه او عمه او اخوه يكفيه مؤنته اياخذ من الزكوة فيتوسع به ان كانوا لا يوسعون عليه فى كل ما يحتاج اليه؟ فقال لا بئس جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۲۵۴

۱۸۱-۱ وافى ، ج ۱۰، ص ۱۷۷

۱۸۲ وافى ، ج ۱۰، ص ۱۷۵

۱۸۳ وافى ، ج ۱۰، ص ۱۷۷

۱۸۴ قال الصادق (عليه السلام): لعن الله قاطعى سبيل المعروف فكيفره فيمنع صاحبه من ان يصنع ذلك الى غيره . محجة البيضاء، ج ۲، ص ۹۱

۱۸۵ الذين يلمزون المطوعين من المؤمنين فى الصدقات ... سورة توبه ، آيه ۷۹

۱۸۶ در نهج البلاغه با واژه طارق (کسى که شب پيدا مى شود) از اين قبيل افراد نام برده شده است .

۱۸۷ محجة البيضاء، ج ۲، ص ۹۰.

۱۸۸ قل ما انفقتم من خير فلولو الدين و الاقربين سورة بقره ، آيه ۲۱۵

۱۸۹ ان ترك خيرا الوصية لولو الدين و الاقربين سورة بقره ، آيه ۱۸۰

۱۹۰ بحار، ج ۷۷، ص ۵۹

۱۹۱ جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۲۷۷.

۱۹۲ يعطى المؤمن من ثلاثة آلاف ثم قال او عشرة آلاف و يعطى الفاجر بقدر لان المؤمنون ينفقها فى طاعة الله عزوجل و الفا فى معصية الله عزوجل وافى ، ج ۱۰، ص ۲۰۳

۱۹۳ محجة البيضاء، ج ۲، ص ۹۰

۱۹۴ قلت لا بی جعفر (ع): انی ربما قسمت الشیء بین اصحابی اصلهم به فکیف اعطیهم ؟ فقال اعطهم علی ... و الفقه ... و العقل و الهجرة وافی ، ج ۱۰ ، ص ۲۰۳

۱۹۵ للفقراء الذین احصروا فی سبیل الله لا یستطیعون ضربا فی الارض یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفف تعرفهم بسیماهم لا یسئلون الناس الحافا سورة بقره ، آیه ۲۷۳

۱۹۶ وافی ، ج ۱۰ ، ص ۲۰۵

۱۹۷ فراموش نمی کنم که برای تبلیغ به روستایی رفتم . مرددم آنجا شیر حیوانات خود را در روز عاشورا در دیگ های بزرگی که در وسط کوچه های روستا بود می ریختند و شیر عاشورا را هدیه امام جماعت و روحانی منطقه می کردند. آنگاه آن شیرهای زیاد را ماست و پنیر کرده و بعد از عاشورا به جای پول به او می دادند. من که در آن زمان تازه داماد بودم و نیاز به پول داشتم ، ظرفهای پنیر را از روستا به شهر آوردم و در کنار خیابان شهر به خاطر بی پولی فروختم و این خاطره تلخ را بعد از سی سال فراموش نکرده ام . اگر مردم آن منطقه که عاشق امام حسین (علیه السلام) و مخلص بودند و به قصد خدمت این عمل را انجام می دادند، به حدیث فوق نیز توجه می کردند و آن نیت خالصانه با رفتاری همراه می گشت که گیرنده کمک های مردم به دردمس نیفتد و روحانی تازه داماد مجبور به پنیر فروشی کنار خیابان نشود.

۱۹۸ کان النبی یعطی العطاء علی قدر عیله محجة البیضاء، ج ۲، ص ۹۲

۱۹۹ محجة البیضاء، ج ۲، ص ۹۱

۲۰۰ کان رسول الله یقسم الصدقة اهل الوادی فی اهل الوادی و صدقة اهل الحضری فی اهل الحضری بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۰

۲۰۱ وافی ، ج ۱۰ ، ص ۲۰۲

۲۰۲ اذا لم تجدوا اهل الولاية فی مصر تكونون فیہ فابعثوا بالزکوة المفروضة الی اهل الولاية من غیر اهل مصرکم جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۳۸۵

۲۰۳ سورة توبه ، آیه ۱۰۳

۲۰۴ امرت ان اخذ الصدقة من اغنیاءکم فاردها فی فقراءکم جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۲۳۹

۲۰۵ سئلت الرضا عن الزکوة الفطرة لمن هی ؟ قال : للامام ، قلت : فاخبر اصحابی ؟ قال نعم ...

۲۰۶ وسائل ، ج ۶، ص ۳

۲۰۷ برگرفته از مغازی ترجمه ی مهدوی دامغانی ، ج ۳، ص ۷۴۰

۲۰۸ و من عهدہ علیه السلام الی بعض عماله و قد بعثه علی الصدقة جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۳۳۱

۲۰۹ و منهم من یلمزک فی الصدقات فان اعطیوها منها رضا سورة توبه ، آیه ۵۸

۲۱۰ فعلى الامام ان یعطیه جامع الاحادیث ، ج ۹، ص ۲۵۹

۲۱۱ فعلى الامام ان يعطيه جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۲۶۵

۲۱۲ مستدرک الوسائل ج ۷، ص ۱۲۳

۲۱۳ ليس له ان ينزل بلادنا و يؤدى صدقة ماله الى عدونا مستدرک الوسائل ، ج ۷، ص ۱۰۷

۲۱۴ ارسلنى اليكم ولى الله و خليفته حتى اخذ منكم حق الله فى اموالكم . فهل فى اموالكم من حق فتؤدوه الى وليه نهج البلاغه ، نامه ۲۵

۲۱۵ تحرير الوسيله ، ج ۱ ص ۳۴۳

۲۱۶ اخرجها من مالک ... ثم اعطها كيف شئت وسائل ، ج ۶، ص ۲۱۳

۲۱۷ واقبض مما دفع لها و امسك عن من لم يدفع

۲۱۸ كلمه ثم كه به معنای تانی است تکرار شده است .

۲۱۹ نهج البلاغه از قطب راوندی نقل می کند كه ظاهر سخن امام است كه اول حیوانات معیوب و پیر را از گله جدا كنیم ، بعد حیوانات سالم را دو بخش و هر بخش را باز به دو بخش تقسیم كن تا آنكه در آخرین بخش سهم زكات روشن شود.

۲۲۰ كلمه عود به معنای پیر و كلمه مهلوسه به معنای لاغر و كلمه عوار به معنای معیوب. آری اگر تمام حیوانات هم لاغر و یا پیر بودند و یا نقصی داشتند، مانعی ندارد. تحرير الوسيله ، امام خمینی .

۲۲۱ كلمه نطاف به معنای محل آب و كلمه اعشاب به معنای منطقه علف زار است .

۲۲۲ جامع الاحاديث ، ج ۹: ص ۳۳۵

۲۲۳ جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۱۰۱

۲۲۴ ياتون بصدقاتهم و يضعونها فى المسجد فاذا ملئ المكان قسمها رسول الله (صلى الله عليه وآله) جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۱۸۶

۲۲۵ سوره توبه ، آیه ۱۰۴

۲۲۶ جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۳۳۶

۲۲۷ ان ارادها صاحبها فهو احق بها و ان لم يردها فليبيعها جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۳۳۳

۲۲۸ اذا لم يجد السن الذى تجب اخذ مسنا فوقها و رد على صاحب المال فضل ما بينهما او اخذ دونها و صاحب الابل فضل ما بينهما جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۳۳۴

۲۲۹ جامع الاحاديث ، ج ۹، ص ۳۳۴

۲۳۰ تحرير الوسيله

۲۳۱ ان الصدقه لا تحل ... لذی مرة سوى قوى وافی ، ج ۶، (ص) ۱۷۴

- ٢٣٢ سئلته عن شارب الخمر يعطى من الزكاة شيئاً؟ قال لا وافي ، ج ٦، ص ١٩٢
- ٢٣٣ فان المتصدق على اعدائنا كالسارق فى حرم ربنا عز وجل و حرمى جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٨٠
- ٢٣٤ فاذا عرفته بالنصب فلا تعله الا ان تخاف لسانه فتشتري دينك و عرضك منه جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٧٩
- ٢٣٥ كالشعراء و الوقاعين فى الاعراض تكفونهم فهو محسوب لكم فى الصدقات جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٨٠
- ٢٣٦ و لا يجوز عن يعطى الزكاة غير اهل الولاية المعروفين جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٧٧
- ٢٣٧ و كل من هو فى نفقتك فلا تعطه جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٦٧
- ٢٣٨ لا تحل الصدقة لغنى وافي ، ج ١٠، ص ١٦٠
- ٢٣٩ ان الصدقة لا تحل لمحترف وافي ، ج ٦، ص ١٧٤
- ٢٤٠ جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٨٧ و ٢٨٨ و ٢٧٩
- ٢٤١ قيل يا رسول الله : فالمستضعفون من المخالفين الجاهلين لا هم فى مخالفتنا مستبصرون و لا هم لنا معاندون . قال : فيعطى الواحد من الدرهم مادون درهم و من الحوض مادون الرغيف جامع الاحاديث ، ج ٩، ص ٢٨٠
- ٢٤٢ حتى ترون الحرام مغنما و الزكاة مغرما بحار، ج ٥٢، ص ٢٦٣
- ٢٤٣ رايت الرجل عنده المال كثير لم يزكه منذ ملكه منتخب الاثر صفحه ٤٣٠
- ٢٤٤ و مانع الزكاة يضرب عنقه . وسائل ، ج ٦، ص ١٩
- ٢٤٥ امام باقر (عليه السلام) فرمود: يسوى بين الناس حتى لا ترى محتاجا الى الزكاة بحار، ج ٥٢، ص ٣٩٠
- ٢٤٦ كيف تقسمها؟ قال على ثمانية اجزاء... قال و ان كان صنف منهم عشرة الاف و صنف منهم رجلا واحدا او رجلين او ثلاثة اجعلت الواحد مثل ما جعلت لعشرة الاف؟! قال نعم قال (عليه السلام) فقد خالفت رسول الله (صلى الله عليه وآله) فى سيرته فان رسول الله (صلى الله عليه وآله) لا يقسمها بينهم بالسويه و انما يقسمه على قدر ما يحضره منهم . كنز الدقائق ، ج ٥، ص ٤٨٠
- ٢٤٧ و منهم منيلمزك فى الصدقات فان اعطوا منها رضوا و ان لم يعطوا منها اذا هم يسخطون .
- ٢٤٨ بحار، ج ٧٤، ص ٣٣٣
- ٢٤٩ غرر الحكم ، ميزان الحكمة